

مصدقابی و کارکردهای فرهنگی واژه "اصحابُ ابی" در کلام امام صادق علیه السلام.

سیدعلیرضا حسینی‌شیرازی، محمد لطفی‌پور

علمی-پژوهشی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال هجدهم، شماره ۷۱ «ویژه پژوهش‌های حدیثی»، تابستان ۱۴۰۰، ص ۸۲-۴۷

مصدقابی و کارکردهای فرهنگی واژه "اصحابُ ابی" در کلام امام

صادق علیه السلام

* سیدعلیرضا حسینی‌شیرازی

** محمد لطفی‌پور

چکیده: انقلاب علمی و فرهنگی شیعه، در عصر امامت امام محمد باقر علیه السلام، با مدیریت آن حضرت و توسط جمعی از شاگردان زیده و نخبه ایشان آغاز شد و جامعه شیعه را از فقر فرهنگی به مرحله شکوفایی و بالندگی رساند.

این لایه از اصحاب الباقر علیه السلام را می‌توان با کلیدواژه «اصحابُ ابی» در فرمایشات امام جعفر صادق علیه السلام بازشناسخت. توصیه ویژه‌ای که امام باقر علیه السلام در آخرین لحظات عمر، به فرزندشان درباره یاران خود ابراز فرمودند، همچنین کارکردهای دین‌شناسانه و جامعه‌شناسانه‌ای که از سوی امام صادق علیه السلام در موضع مختلف ایراد شده، ضرورت بازشناسی مصاديق و کارکردشناسی فرهنگی «اصحابُ ابی» را بیش از پیش، هویدا می‌سازد. این نوشتار، با شیوه تحلیل متون حدیثی شیعه، به این دو مهم پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: تاریخ حدیث شیعه؛ امام باقر علیه السلام؛ امام صادق علیه السلام؛ اصحابُ ابی؛ تاریخ شیعه.

معمولًا سخنان و توصیه‌هایی که در واپسین لحظات عمر از جانب معمومین علیهم السلام ایراد می‌شود، بیانگر مهم‌ترین دغدغه ایشان و اهمیت بسیار بالای آن است. این توصیه‌ها بر نکته یا نکته‌های مهمی انگشت می‌گذارند که در آینده، اثرگذار و کارگشا خواهند بود.

یکی از این توصیه‌ها، سفارش امام باقر علیه السلام در آخرین لحظات عمر شریف خود به فرزندشان امام صادق علیه السلام می‌باشد که فرمودند: «يا جعفر أوصيك بأخصار خيراً، قلت: جعلت فداك! و الله لا ذعنهم والرجل منهم يكون في المصبر فلا يسأل أحداً».^۱

در خوانش گفتگوی پیش‌رو، سه نکته حائز اهمیت است:

۱. درخواست یک رفتار در قالب «أوصيك بأخصار خيراً» از فرزند خود.
۲. مستور بودن نام افرادی که از آن مجموعه با عنوان مشیر «أخصار خیری» یاد شده است.
۳. فرو نشاندن دغدغه پدر توسط امام صادق علیه السلام در قالب تعهدی که رفتار فرهنگی-تعلیمی ایشان را در آینده رقم خواهد زد.

عبارت «أوصيك بأخصار خيراً» برای مخاطب امروزی احتمالات متعدد و نامفهوم دارند؛ ممکن است مخاطب از واژه «أخصار خیری» تلقی عام و شمول مفهومی برداشت کند بر هر فرد جامعه شیعی که امام باقر علیه السلام را ملاقات کرده است.

در حالی که پاسخ امام صادق علیه السلام، خطاب بودن این تلقی را در بردارد؛ عنوان «أخصار خیری» یادکرد از افراد خاصی است که هیچ نام و نشانی از آن‌ها در عبارت نیامده، اما مصدق این واژه برای امام صادق علیه السلام معلوم و مشخص است.

۱. الکافی، ج، ص: ۳۰۶، ای جعفر! به تو وصیت می‌کنم که نسبت به اصحاب و یارانم نیکی کنی. امام صادق علیه السلام به پدر خود عرض کردند: فدایت گردم، به خدا سوگند، زمانی آن‌ها را رها می‌کنم که هر یک از آنان در شهری که قرار دارد نیاز به پرسیدن از کسی نداشته باشد.

ایشان بعد از وفات پدر بزرگوار خود، از آن افراد با عنوان مشیر «أصحاب أبي» یاد می‌کنند؛ توجه خاص به این اشخاص، سرمایه‌گذاری امام باقر علیه السلام برای پرورش علمی آن‌ها را نشان دهد که امام صادق علیه السلام با تعهد خود این رفتار تعلیمی را پیگیری و دنبال کردند.

گونه‌شناسی مصاديق "أصحاب أبي" در کلام امام صادق علیه السلام

در گزارش‌های رسیده از سوی امام صادق علیه السلام با تکرار چندین باره واژه "أصحاب أبي" روبرو هستیم. با دقیقت در روایات مذکور می‌توان این عنوان مشیر را به چهار دسته بخش‌بندی کرد:

یکم. گروهی از یاران که زمان یادکرد از آن‌ها با عنوان «أصحاب أبي» توسط امام صادق علیه السلام به بیان جایگاه و کارکردهای فرهنگی خاص‌شان پرداخته شده است، مانند: محمد بن مسلم، زرارة بن اعین، یحییٰ ابو بصیر الاسدی، برید بن معاویه عجلی، لیث بن بختی مرادی.

کارکردهایی مانند: پاسبانی از حریم دین، توانمند در زدودن بحران‌های فرهنگی، پیشگیری از فراموش شدن آثار نبوت و پاسبانی از آثار امام باقر علیه السلام و... حکایت از توانمندی پیشین و اثرگذاری پسین فرهنگی این افراد در آینده فرهنگی جامعه شیعه دارد. ویژگی خاص مصاديق «أصحاب أبي»، در برگرفتن مجموعه عظیم فرهنگ شیعه از امام و پراکندن آن در جامعه شیعه می‌باشد، که در روایات زیر به آن اشاره دارد:

۱. جمیل بن دراج نقل می‌کند که به منزل امام صادق علیه السلام وارد شدم در حالی که یکی از شیعیان کوفه در حال خارج شدن از خدمت امام بود. وقتی خدمت حضرت رسیدم، فرمودند: آن فردی را که از نزد من خارج شد، ملاقات کردی؟ گفتم: بله، او یکی از شیعیان کوفه بود. امام فرمودند: لا قدس الله روحه و لا قدس مثله. حضرتش

در ادامه، علت نفرین خود را بدگویی‌های این شخص نسبت به اصحاب پدرشان بیان فرمودند. آنگاه در جواب آن شخص ده ویژگی مهم نسبت به برید العجلی، زراره، ابوبصیر و محمد بن مسلم بیان کردند. پنجمین ویژگی «اصحابُ أَبِي عَثَّلَةَ» حَقّاً^۱ مطرح شده است، یعنی آن‌ها به یقین از اصحاب پدرم هستند.^۲

۲. «عبدالله بن زرارة بن اعين» نقل می‌کند که امام صادق ع به من فرمودند: «به پدرت (زراره) سلام برسان و به او بگو: اگر سخنی علیه تو می‌گوییم، بدان که برای دفاع از توست. مردم و دشمنان همواره می‌کوشند افرادی را که نزد ما جایگاه دارند و به ما نزدیکند، بیازارند. آنان این افراد را به خاطر دوستی ما به آنان، نکوهش می‌کنند و می‌کشند. در عوض، هر کسی را که ما نکوهش می‌کنیم و رد می‌نماییم، می‌ستایند. [بگو به پدرت:] اگر در ظاهر تو را نکوهش و رد می‌کنم، به خاطر آن است که تو به ولایت ما شناخته شده‌ای و همه می‌دانند که طالب ما هستی؛ از این رو در نزد مردم مذموم و ناپسندی، چون که ما را دوست داری و به جانب ما مایلی؛ پس خواستم تو را در ظاهر رد و نکوهش کنم تا نزد مردم محبوب باشی و بدین ترتیب به دینت آسیب نرسد و شر آنان از تو برداشته شود.»

حضرتش به آیه ۷۹ سوره کهف تمسک کرده و در ادامه فرمودند: «فَإِنَّكَ وَ اللَّهَ أَحَبُّ التَّائِسِ إِلَى وَ أَحَبُّ أَصْحَابِ أَبِي حَيَّا وَ مَيْتَا، فَإِنَّكَ أَفْضَلُ سُفُنِ ذَلِكَ الْبَحْرِ الْمَمْكَافِ الْأَخْرِ...»^۳ تو [زراره] در حال حیات و ممات، محبوب‌ترین مردم در نزد من و محبوب‌ترین فرد از اصحاب پدرم هستی و تو سودمندترین کشتی این اقیانوس

۱. اختیار معرفة الرجال، ص ۱۳۷.

۲. واژه «حَقّاً» حکایت از پایداری التزام و تمهد بین اصحاب و حجت الله دارد و عبارت حاضر نشان‌گر بینش و نگرش اصحابُ أَبِي است که در تمام لحظات حیات، در پرتوی رهنمودهای حجت‌الله حرکت کرده و ادامه مسیر می‌دهند.

۳. همان، ص ۱۳۸.

طوفان زده هستی...»^۱

۳. داود بن سرحان گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند: «با فردی سخن می گوییم و او را از جدال و مراء در دین خدا باز می دارم و از قیاس پرهیزش می دهم؛ اما هنگامی که از نزد من می رود، سخن مرا به غیر مراد من تاویل می کند؛ به گروهی فرمان می دهم که به بحث و مناظره بپردازند و گروه دیگری را باز می دارم، اما هر یک سخن مرا مطابق میل خود تفسیر می کند، در حالی که انگیزه آنها سرپیچی و معصیت خدا و رسول است. اگر شنوا و فرمانبردار بودند، آنچه را که پدرم در اختیار اصحابش قرار داد، به آنها می سپردم.

سپس امام به توصیف اصحاب پدر خود مانند محمدبن مسلم، برید بن معاویه عجلی، زرارة بن اعین و لیث بن بختیار مرادی پرداخته و فرمودند: و إن أَصْحَابَ أَبِي كَانُوا زَيَّنَا أَجْيَاءً وَ أَمْوَاتًا...؛ اصحاب پدرم در حیات و ممات مایه زینت هستند...»

۴. هنگامی که خاندان اعین مانند زراره و حمران خدمت امام صادق علیه السلام برای کسب علم در رفت و آمد بودند، ریبعه الرأی به امام صادق علیه السلام گفت: آن برادرانی که از عراق خدمت شما می رستند، در حالی که در بین یاران شما بهتر و برازنده تر از آنان ندیده ام، کیستند؟ امام فرمودند: «آنها اصحاب پدرم (أصحاب ابی) هستند».^۲

دوم: یارانی که با عنوان مشیر « أصحاب ابی » بدون کارکرد خاص از آنها یاد شده

۱. در این گزارش، جامعه پرتلاطم فرهنگ توسط امام صادق علیه السلام به اقیانوس طوفان زده تشییه شده که زراره «سودمندترین فرد برای عبور دادن جامعه شیعه از این گذرگاه خطرناک» می باشد.

۲. همان، ص ۱۷۰ و ص ۳۳۸؛ عن داؤد بن سرحان، قال: سمعتُ آبَا عَبْدِ اللَّهِ علِيَّ يَقُولُ: إِنِّي لَأَحَدُثُ الرَّجُلَ بِحَدِيثٍ وَ آتَاهُ عَنِ الْجِدَالِ وَ الْمَرَأَةِ فِي دِينِ اللَّهِ تَعَالَى، وَ آتَاهُ عَنِ الْقِيَاسِ فَيَخْرُجُ مِنْ عَنْدِي فَيَتَأَوَّلُ حَدِيثٌ عَلَى غَيْرِ تَأْوِيلِهِ. إِنِّي أَمْرَتُ قَوْمًا أَنْ يَتَكَلَّمُوا وَ نَهَيْتُ قَوْمًا، فَكُلُّ يَتَأَوَّلُ لِنَفْسِهِ يَرِيدُ الْمُعْصِيَةَ لِلَّهِ تَعَالَى وَ لِرَسُولِهِ، فَلَوْ سَمِعُوا وَ أَطَاعُوا لَوْ دَعَنَاهُمْ مَا أَوْدَعُ أَبِي أَصْحَابَهُ، إِنَّ أَصْحَابَ أَبِي كَانُوا زَيَّنَا أَجْيَاءً وَ أَمْوَاتًا، أَعْتَنِي زَرَارَةً وَ حَمْرَانَ مُسْلِمٍ وَ مِنْهُمْ لَيْثُ الْمَرَادِيُّ وَ بَرِيدُ الْعِجْلِيُّ، هُولَاءِ الْقَوْمُونُ بِالْقُسْطِ، هُولَاءِ الْقَوْلُونَ بِالصَّدْقِ، هُولَاءِ السَّائِقُونَ السَّائِقُونَ، أَوْلِيَكُ الْمُقْرِبُونَ.

۳. همان، ص ۱۶۱؛ قال ریبعه الرأی لابی عبد الله علیه السلام: ما هولاء الإخوة الذين يأتونك من العراق و لم أر في أصحابك خيرا منهم و لا أحبهم؟ قال: أوليك أصحاب ابی.

است؛ مانند حسن بن خنیس، فضیل بن یسار.

دقت در دو گزارش زیر نشان می‌دهد که امام صادق علیه السلام نسبت به اصحاب پدرشان – به صورت عام – محبت ویژه‌ای داشتند و جزء «أَصْحَابُ أَبِي» بودن را به عنوان یک ارزش معرفی کردند.

۴. ابواسامه نقل می‌کند که خدمت امام صادق علیه السلام بودم. هنگامی که حسن بن خنیس عبور کرد، حضرت فرمودند: «این شخص را دوست داری؟ این فرد از اصحاب پدرم (أَصْحَابُ أَبِي) است».^۱

شخصیت حسن بن خنیس مجھول است، به جز این گزارش، ویژگی دیگری نسبت به او وجود ندارد و در کتب اربعه تنها سه روایت از این شخص نقل شده است؛ اما امام صادق علیه السلام به سبب این ویژگی، امر به دوست داشتن او کردند که حکایت از سلامت عقیده در مسیر دریافت آموزه‌های هدایتی از مجرای امامت دارد.

۵. امام صادق علیه السلام هنگامی که فضیل بن یسار را در برابر خود دیدند، فرمودند: بشرط باد بر مُخْبِتِین (اهل تواضع و خشوع در مقابل خداوند).^۲ نیز می‌فرمودند: «فُضَيْلُ بْنُ يَسَارٍ مِّنْ أَصْحَابِ أَبِيهِ» است و من دوست می‌دارم کسی را که اصحاب و همنشینان پدرش را دوست بدارد.^۳

همچنین آن حضرت، علی بن سعید بصری را به فضیل ارجاع داده و مقام علمی

۱. همان، ص ۴۰۳؛ عن أبي أسامة الشحام، قال، كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلِيِّهِ إِذْ مَرَ الْحَسَنُ بْنُ خُنَيْسٍ، قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلِيِّهِ: تُحِبُّ هَذَا؟ هَذَا مِنْ أَصْحَابِ أَبِي.

۲. ظاهراً اشاره است به آیه «وَبَشَرَ الْمُخْبِتِينَ» (حج / ۳۴).

۳. همان، ص ۲۱۳؛ كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلِيِّهِ إِذَا نَظَرَ إِلَى الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ مُّقْبِلاً قَالَ: بَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ، وَكَانَ يَقُولُ: إِنَّ فُضَيْلًا مِّنْ أَصْحَابِ أَبِي وَإِنَّ لَأَجِبُ الرَّجُلَ أَنْ يَحِبَّ أَصْحَابَ أَبِيهِ.



او را تأیید کرده است^۱ و در برخی گزارش‌ها وی را از اهل بیت دانسته‌اند.^۲
سوم: بعضی از یارانی که به صورت تردیدآمیز با عنوان "اصحابُ أَبِي" بدون ذکر
کارکرد خاص از آن‌ها یاد شده است؛ مانند: ابوالصباح کنانی در گزارش زیر:

برید عجلی نقل می‌کند: من و ابوالصباح کنانی در نزد امام صادق علیه السلام بودیم که
ایشان فرمودند: اصحاب پدرم (اصحابُ أَبِي) از شما بهتر بودند، اصحاب پدرم برگ
بی خار بودند اما شما خار بی برگ هستید. ابوالصباح به امام صادق علیه السلام عرض می‌کند:
ما هم از اصحاب پدر شما هستیم. امام صادق علیه السلام فرمودند: آن روز بهتر از امروز
بودید.^۳

چهارم: یارانی که اطلاق "اصحابُ أَبِي" به آن‌ها نشده است، اما با توجه به
کارکردهایی که امام باقر یا امام صادق علیه السلام برای آن‌ها بیان کرده‌اند، می‌توان نامشان
را در زمرة گروه نخست جای داد؛ مانند: حُمْرَانَ بْنَ عَيْنٌَ، بُكَيْرَ بْنَ عَيْنٌَ، إِبَانَ بْنَ
تَغْلِبٍ، أَبُو حَمْزَةَ ثَمَالِيٍّ^۴ وَ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ أَبِي يَعْفُورٍ^۵....

خاطر نشان می‌شود که عمومیت تعهد امام صادق علیه السلام به پدرشان، هر چهار گروه
را در بر می‌گیرد؛ اما تمرکز نوشتار حاضر به طور خاص بر گروه اول و چهارم

۱. تهذیب الأحكام، ج ۳، ص ۲۷؛ ... قَالَ [الصادق علیه السلام] وَ احْسَبْ بِمَا تَسْمَعُ؛ وَ لَوْ قَدِمْتَ الْبَصْرَةَ لَقَدْ سَأَلَكَ الْفُضَيْلُ بْنَ يَسَّارًا، وَ أَخْبَرَهُ
بِمَا أَفْتَيْتُكَ فَتَأْخُذْ بِقَوْلِ الْفُضَيْلِ وَ تَدْعُ قَوْلِي...
۲/ اختیار معرفة الرجال، ص ۴۱۴ رجم الله الفضیل بن یسای و هو میاً اهل البيت.

۳. همان، ص ۴۵۰ عن بُرِيدِ الْعَجْلِيِّ، قَالَ: كُنْتُ أَنَا وَ أَبُو الصَّابِحِ الْكَنَانِيُّ عَنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقَالَ: كَانَ أَصْحَابُ أَبِي وَ اللَّهُ خَيْرٌ
مِنْكُمْ، كَانَ أَصْحَابُ أَبِي وَرَقَا لَا شُوكَ فِيهِ وَ أَنْتُمُ الْيَوْمَ شُوكٌ لَا وَرَقَ فِيهِ. فَقَالَ أَبُو الصَّابِحِ الْكَنَانِيُّ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَتَحَنَّ أَصْحَابُ
أَبِيكَ! قَالَ: كُنْتُمْ يَوْمَئِنَدْ خَيْرًا مِنْكُمُ الْيَوْمَ.

۴. همان، ص ۱۷۶.

۵. همان، ص ۱۸۱.

۶. رجال التجاشی، ص ۱۰.

۷. اختیار معرفة الرجال، ص ۲۰۱.

۸. الکافی، ج ۲، ص ۱۰۴ / اختیار معرفة الرجال، ص ۲۴۶ تا ۲۴۹.

قرار دارد.

درک صحیح و تحلیل درست از چگونگی تزریق فرهنگ به جامعه شیعی و تبیین جایگاه "اصحاب ابی" و کارکرد آنها در پرتو بازخوانی رویدادهای قبل و بعد از زمان امام باقر علیهم السلام مقدور خواهد بود.

بازخوانی وضعیت فرهنگی شیعه قبل از امام باقر علیهم السلام

وقایع پیش آمده پس از رحلت پیامبر اکرم از جمله: "قرآن بسندگی" در جهت تهی سازی معرفت دینی از آموزه های سنت نبوی^۱ و به کنار گذاشتن اهل بیت علیهم السلام^۲ و درگیری های سیاسی و نظامی و حاکمیت اختناق اموی، جامعه را به سمتی پیش برد که فرصت کافی برای ائمه پیش از امام باقر علیهم السلام برای بیان آموزه های دینی فراهم نیامد.

یکی از نگرانی های پُررنگ در سخنان پیامبر خاتم ﷺ، واژگونی ارزش ها و استحاله فرهنگی بود.^۳ حضرتش از روزهایی سخن گفتند که مسلمانان به دلیل کاهلی و جهالت و نیز غفلت از توطئه های دشمنان، همنگ آنان می شوند و ارزش های گهربار دینی را به فراموشی می سپارند. فراغیر بودن چنین فضایی در جامعه اسلامی، زمینه سرنگونی و تباہی را فراهم ساخت؛ در نتیجه حلال خدا،

۱. الکافی، ج ۸، ص ۵۹: قال امیر المؤمنین ع: ... ثم أقبل بوجهه و حوله ناسٌ من أهل بيته و خاصته و شيعته فقال قد عملتِ الولاة قبلى أعمالاً خالفوها فيها رسول الله صلى الله عليه وسلم متعدياً لخلافه ناقصين لعهده مغيرين لسننه...

۲. امام حسین ع نامه ای به پنج تن از اشراف بصره درباره کنار گذاشتن اهل بیت بعد از پیامبر به این مضامون نوشتند: أما بعد فإنَّ اللَّهَ اصْطَفَى مُحَمَّداً عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى خَلْقِهِ، وَأَكْرَمَهُ بِنُبُوَّةِ، وَاحْتَارَهُ لِرِسَالَتِهِ، ثُمَّ قَضَاهُ إِلَيْهِ، وَقَدْ نَصَحَ لِعِبَادِهِ، وَبَلَّغَ مَا أَرْسَلَ بِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَكَنَّا أَهْلَهُ وَأَوْصِيَاهُ، وَوَرَتَتْهُ، وَاحَقَ النَّاسَ بِمَقَامِهِ فِي النَّاسِ، فَاسْتَأْثَرَ عَلَيْنَا قَوْمًا بِذَلِكَ، فَرَضَيْنَا وَكَرِهْنَا الفُرْقَةَ، وَأَحَبَبْنَا الْعَافِيَةَ، وَتَحْنُنْ نَعْلَمُ أَنَا أَحَقُّ بِذَلِكَ الْحَقَّ الْمُسْتَحْقَقَ عَلَيْنَا مِنْ تَوْلَاهُ... (تاریخ الرسل والملوک)، ج ۵، ص ۳۷۵

۳. الکافی، ج ۸، ص ۴۰۸: قال امیر المؤمنین ع: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: سیاستی على الناس زمان لا يبقي من القرآن إلا اسمه و من الإسلام إلا اسمه يسمون به و هم بعد الناس منه مساجدهم عامرة و هي خراب من الهوى فقهاء ذلك الزمان شر فقهاء تحت ظل السماء منهم خرجت الفتنة و إليهم تعود.

حرام و حرام او حلال شمرده شد.^۱

یکی از پدیده‌هایی که بعد از پیامبر به دلیل فاصله‌گیری از نهاد امامت رخ نمود، راهیابی تدریجی خودرأیی در کشف آموزه‌های دینی بود. نکوهش این پدیده و توجه دادن به پیامدهای ویران‌گر آن را در سخنان امیرالمؤمنین^۲ و امامان بعدی به خصوص امام باقر^۳ و امام صادق علیهم السلام^۴ به هنگام برحدار داشتن از اهل رأی می‌توان دید.

۵۵

دور ماندن جامعه از آموزه‌های برخاسته از قرآن و سنت پیامبر اکرم علیهم السلام در اثر گسترش و نفوذ فرهنگِ دگرگون و نیز حضور پررنگ چهره‌های فرهنگی تخریب‌گر، درون مایه گزارش‌هایی است که از امام باقر علیهم السلام نقل شده است.^۵ گذشت زمان و افزایش تهدید پدیده‌های ویران‌گر، شیعیان را با یک محاصره و تهاجم فرهنگی رو برو کرد که باورهای ایشان را هدف قرار داده بود. آشتفتگی و نابسامانی فرهنگی موجود در بستر جامعه شیعی در آغاز امامت امام باقر علیهم السلام نتیجه طبیعی همین محاصره و تهاجم فرهنگی بود.

وضعیت فرهنگی شیعه بعد از امام باقر علیهم السلام

امام صادق علیهم السلام در گزارشی به بیان این واقعیت تاریخی پرداخته و وضعیت فرهنگی جامعه شیعه را در آغاز امامت امام باقر علیهم السلام برای عیسی بن السری چنین

۱. مکارم الأخلاق، ص ۵۲؛ وَ الَّذِي يَعْنِي بِالْحُقْرِيَّاتِ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَسْتَحْلُونَ الْخَمْرَ وَ يَسْمُونُهُ النَّبِيُّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسُ أَجْعَمُونَ آتَانَا مِنْهُمْ بِرِيءٍ وَ هُمْ مِنِي بُرَاءٌ.

۲. نهج البلاغه، ص ۶۰؛ تَرَدَّ عَلَى أَحَدِهِمُ الْفَضْيَةُ فِي حُكْمِ مِنَ الْحُكَّامِ فَحُكِّمُ فِيهَا بِرَأْيِهِ ثُمَّ تَرَدَّ تِلْكَ الْفَضْيَةُ بِعِينِهَا عَلَى غَيْرِهِ فَيُحُكِّمُ فِيهَا بِخَلَافِ قَوْلِهِ ثُمَّ يَجْتَمِعُ الْقَضَاءُ بِنِيلَكَ عِنْدَ الْإِمَامِ الَّذِي اسْتَضَاهُمْ فَيُصَوَّبُ أَرَأَهُمْ جَمِيعًا وَ إِلَهُهُمْ وَاحِدٌ وَ نَبِيُّهُمْ وَاحِدٌ وَ كَتَبُهُمْ وَاحِدٌ -۱ فَأَمْرَهُمُ اللَّهُ [تَعَالَى] سُبْحَانَهُ بِالْخُلُقِ فَاطَّاعُوهُ أَمْ نَهَاهُمْ عَنْهُ فَعَصُوهُ.

۳. الأُمَالِي، ص ۵۱؛ يَا زَرَادَةُ إِيَّاكَ وَ أَصْحَابَ الْقِيَاسِ فِي الدِّينِ...

۴. همان، ص ۵۲؛ لَعْنَ اللَّهِ أَصْحَابَ الْقِيَاسِ...

۵. الكافی، ج ۱، ص ۳۹۳

ترسیم می‌کنند:

... وَ كَانَتِ الشِّيَعَةُ قَبْلَ أَنْ يُكُونَ ابُو جَعْفَرٍ، وَ هُمْ لَا يُعْرِفُونَ مَنَاسِكَ حَجَّهُمْ وَ حَلَّاًهُمْ وَ حَرَامَهُمْ؛ حَتَّىٰ كَانَ ابُو جَعْفَرٍ فَقَدَحَ لَهُمْ وَ بَيْنَ لَهُمْ مَنَاسِكَ حَجَّهُمْ وَ حَلَّاًهُمْ وَ حَرَامَهُمْ، حَتَّىٰ صَارَ النَّاسُ يُخْتَاجُونَ إِلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا كَانُوا يُخْتَاجُونَ إِلَى النَّاسِ...^۱

این فراز از گزارش، سه خصوصیت در دوره امامت امام باقر علیه السلام را در دل خود جای داده است:

۱. آشتفتگی و نابسامانی فرهنگی جامعه شیعه (آغاز امامت امام باقر علیه السلام) دیدیم که امام صادق علیه السلام فرمودند: "وَ كَانَتِ الشِّيَعَةُ قَبْلَ أَنْ يُكُونَ ابُو جَعْفَرٍ وَ هُمْ لَا يُعْرِفُونَ مَنَاسِكَ حَجَّهُمْ وَ حَلَّاًهُمْ وَ حَرَامَهُمْ" از این جمله به دست می‌آید که برایند عمومی جامعه شیعه، در محاصره فرهنگی و بیگانگی نسبت به دریافت آموزه‌های معرفتی و احکام فقهی شیعه قرار داشته و آن را از مسیر اصلی خود یعنی ائمه معصومین دریافت نمی‌کردند.

هم‌جواری جامعه شیعه با همسایگانی که پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ راه خویش را از مسیر فرهنگی اهل‌بیت جدا کردن از یک سو، و حاکمیت حکومت‌های غیرشیعی که از نخستین روزها به هدف جدا کردن جامعه از نهاد امامت و جلوگیری از نشر آموزه‌های اصیل و بی‌پیرایه دینی بنا نهاده شده‌اند از سوی دیگر، تهدیدی جدی برای استمرار حیات فرهنگی - اجتماعی شیعیان بهشمار می‌رفت.^۲ برآیند

-
۱. همان، ج، ۲، ص: ۴۰؛ شیعه تا قبل از ابو جعفر [امام باقر علیه السلام] مناسک حج و حلال و حرام [احکام و فروع فقهی] خود را به درستی نمی‌دانست تا این که دوران امام باقر علیه السلام فرا رسید و ایشان دانش را بر شیعیان گشودند و مناسک حج آنان و حلال و حرام‌شان را به گونه‌ای تبیین کردند که مردم، نیازمند اهل‌بیت گشتنند در حالی که پیش از آن شیعیان به دیگران نیازمند بودند.
 ۲. البته با شروع امامت امام باقر علیه السلام این تهدیدها پایان نیافت؛ بلکه دامنه آن، جان شیعیان و به ویژه چهره‌های کوشانش در نشر و گسترش فرهنگ شیعی را به خطر می‌انداخت، و حبس، تبعید و ب هشاهدت رساندن امامان را نیز به دنبال داشت؛ شدت این تهدیدات تا زمان امام صادق علیه السلام ادامه داشت. گاه به اندازه‌ای بود که حتی اگر شیعیان در وقت خواندن نماز، به یک روش عمل می‌کردند، شناسایی شده و جانشان به خطر می‌افتد. (الکافی، ج، ۳، ص: ۲۷۶)

این تهدیدات محدود شدن جامعه و عدم دریافت آموزه‌ها از مجرای صحیح خود بود.

عبارت: "مِنْ بَعْدِ مَا كَانُوا يَجْتَمِعُونَ إِلَى النَّاسِ" اشاره دارد که جامعه شیعه از جهت فرهنگی تحت تاثیر فعالیت شدید زیر گروه‌های برخاسته از مخالفان قرار داشتند، به گونه‌ای که آموزه‌های خود را از آن‌ها می‌گرفتند.

توجه به گفتگوی امام باقر علیه السلام و سیدیر صیرفى در گزارش زیر می‌تواند فضای آن زمان را آشکار سازد:

... هُؤلَاءِ [أَبُو حِينَيْفَةَ وَ سُقِيَانَ التَّقْوِيِ] الصَّادُونَ عَنْ دِينِ اللَّهِ بِلَا هُدًى مِنَ اللَّهِ وَ لَا كِتَابٌ مُّبِينٌ.
إِنَّ هُؤلَاءِ الْأَخَابِثُ لَوْ جَلَسُوا فِي بُيُوتِهِمْ، فَجَالَ النَّاسُ فَلَمْ يَجِدُوا أَحَدًا يُخَبِّئُهُمْ عَنِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ عَنْ رَسُولِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ عَنْ رَسُولِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ عَنْ رَسُولِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى، حَتَّى يَأْتُونَا فَنُخَبِّئُهُمْ عَنِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ عَنْ رَسُولِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى.

از این گزارش در چگونگی ترسیم فعالیت گسترده برخی از زیر گروه‌های اهل سنت با گرایش‌های متفاوت برای ختنی کردن فعالیت فرهنگی اهل بیت علیهم السلام به خوبی هویدا می‌شود که نتیجه آن جلوگیری از دسترسی به آموزه‌های شیعی است.^۲ به همین دلیل است که امام علیه السلام برای برونو رفت و عبوردادن جامعه شیعه - و در یک نگاه کلان، عبوردادن اسلامی از این فضای آلوده - دو برنامه و اقدام اساسی را پی‌ریزی کردند:

به گونه‌ای پرده از چهره این تهدید بر می‌دارد: فَإِنَّ النَّاسَ وَ الْمُدُوَّبِسَارِعُونَ إِلَى كُلِّ مَنْ قَرِبَنَا وَ حَمَدَنَا مَكَانَهُ لِإِدْخَالِ الْأَذَى فِي مَنْ نُجِّبْهُ وَ نَقْرِبْهُ، وَ يَرْمُونَهُ لِمَحِبَّتِنَا لَهُ وَ قُرْبِهِ وَ دُنُوهِ مِنَاهُ، وَ يَرْوَنَ إِدْخَالَ الْأَذَى عَلَيْهِ وَ قَتْلَهُ، وَ يَحْمَدُونَ كُلَّ مَنْ عَنْتَاهُ نَحْنُ...
(اختیار معرفة الرجال، ص ۱۳۸)

۱. الکافی، ج ۱، ص ۳۹۲؛ ابوحنیفه و سفیان ثوری کسانی هستند که بدون هدایتی از سوی خدا و کتاب مبین، مردم را از دین خدا باز می‌دارند، کاش در خانه‌های خود می‌نشستند و مردم می‌گشتد و کسی را نمی‌یافتد که خدا و رسولش به آن‌ها خبر دهد و نزد ما می‌آمدند تا به آنان درباره خداوند آگاهی دهیم.

۲. ر.ک کتاب: ترجمة ابی حنیفه، دارای متون قابل تأملی در خصوص زوایای مختلف شخصیت ابوحنیفه می‌باشد که از پنجاه کتاب تاریخی - رجالی اهل سنت گرینش و تبویب و فهرست‌نگاری شده است.

الف) هشدارهای مکرر: امام باقر علیہ السلام به شاگردان خود نسبت به حضور اثرگذار جامعه رقیب هشدار می‌دادند:^۱

عَنْ رُزَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلَى عَلِيِّهِ الْكَاظِمِ: يَا رُزَّارَةُ! إِيَّاكَ وَأَصْحَابَ الْقِيَاسِ فِي الدِّينِ؛ فَإِنَّهُمْ تَرَكُوا عِلْمَ مَا وُكِلُوا بِهِ، وَ تَكَلَّفُوا مَا قَدْ كُفُوهُ؛ يَتَأَوَّلُونَ الْأَخْبَارَ وَ يَكْذِبُونَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ...^۲

ب) تربیت برخی چهره‌ها تا حد مرجعیت علمی: از این میان می‌توان به ابان بن تغلیب^۳ که در بین پیروان خلفا دارای جایگاه علمی بود، اشاره کرد. وی به دستور امام در مسجد پیامبر نشسته و به مراجعات علمی مردم پاسخ می‌دادند. به جهت استواری در این جایگاه، نهاد امامت افرادی مانند سلیمان بن ابی حیة^۴ و ابان بن عثمان^۵ را برای گرفتن توشه‌های فرهنگی پرشمار به ابان ارجاع می‌دادند.

ایجاد این نوع مرجعیت علمی دارای جهت‌گیری کلی برای استقرار کارکرد فرهنگی و دین‌گسترانه حدیث داشت که به‌تیغ آن تغییر نگرش عمومی در فضای حاکم جامعه پدیدار گردید.

۲. بنیان نهادن حرکت فرهنگی عمیق و تاثیرگذار توسط امام باقر علیہ السلام

۱. بَابُ الْبَيْعَ وَ الرَّأْيِ وَ الْمَقَايِسِ در کتاب *الکافی* در بردارنده هشدارهای امام باقر علیہ السلام می‌باشد که مخاطبان را از اتفاق در دام مهلهک نظریه‌پردازی می‌تلقی برای شخصی و بدون اتصال به منبع وحی برحدار می‌داشتند؛ به عنوان نمونه: عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ قَالَ حَدَّثَنِي جَعْفُرُ عَنْ أَبِيهِ مَلِكٍ أَنَّ عَلِيًّا صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِ قَالَ: مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِالْقِيَاسِ لَمْ يَزِلْ دَهْرَهُ فِي الْبَيَاسِ. وَ مَنْ دَانَ اللَّهَ بِالرَّأْيِ لَمْ يَزِلْ دَهْرَهُ فِي ارْتَمَاسِي. قَالَ: وَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلِيِّهِ الْكَاظِمِ: مَنْ أَفْتَ النَّاسَ بِرَأْيِهِ فَقَدْ دَانَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ. وَ مَنْ دَانَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فَقَدْ خَدَ اللَّهَ حَيْثُ أَحَدَ وَ حَرَمَ فِي مَا لَا يَعْلَمُ. (*الکافی*، ج ۱، ص ۵۷)

۲. *الأَمَالِي*، ص ۵۱؛ زراره نقل می‌کند که امام باقر علیہ السلام زرارها از کسانی که در دین خدا قیاس می‌کنند پیرهیز؛ چون دانستن آنچه را که به آن مکلف هستند رها ساخته و خود را نسبت به آن‌چه تکلیفی ندارند به رنج و زحمت افکنده‌اند، آنان اخبار را تاویل می‌کنند و بر خداوند دروغ می‌بنند...

۳. رجال النجاشی، ص ۱۰؛ قَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عَلِيِّهِ الْكَاظِمِ: الْجُنُسُ فِي مَسْجِدِ الْمَدِينَةِ وَ أَفْتَ النَّاسَ؛ فَإِنَّ أَحَبَّ أَنْ يَرَى فِي شَيْءٍ مِثْلُكَ.

۴. همان، ص ۱۳؛ عن سلیمان بن ابی حیة قال: كنت عند ابی عبد الله علیہ السلام فلما ارددت ان افارقه و دعاته و قلت: احبت ان تزودنى، فقال: ايت ايان بن تقلب، فإنه قد سمع مني حديثاً كثيراً، فما روی لك فاروه عنى.

۵. همان، ص ۱۲؛ عن أبي عثمان عن أبي عبد الله علیہ السلام: أن أيان بن تقلب روی عنى ثلاثين ألف حديث، فاروه عنه.

فقه به عنوان مجموعه آموزه‌های رفتاری که نشان از باورهای عمیق و زیر بنایی مذهبی دارد، مهم‌ترین و شاخص‌ترین مجموعه آموزه‌های دینی را تشکیل داده که استقلال و هویت فرهنگی جامعه شیعه را به دنبال دارد.

شیعه به‌دلیل پیشینه تاریخی دگرگون و فشار و خفغان بنی‌امیه، امکان علنی ساختن فقه و هویت فرهنگی خویش را در جامعه نداشت.

دیدیم که امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: "حَتَّىٰ كَانَ ابُو جَعْفَرٍ فَتَحَ هُمْ وَ بَيْنَ هُمْ مَنَاسِكَ حَجَّهُمْ وَ حَلَّهُمْ وَ حَرَامُهُمْ" این جمله نشانگر راهبرد امام باقر علیه السلام برای سامان بخشیدن و انسجام جامعه شیعه و نشر فراگیر آموزه‌های فقهی بود؛ زیرا فقه به مثابه یک بسته معرفتی^۱ است که تمام باورمندان جامعه اسلامی هر لحظه به آن نیاز دارند^۲ و با گسترش و پای‌بندی به آن منجر به‌جدا سازی جامعه شیعی از جامعه فرهنگی رقیب می‌شود.

۳. استقلال فرهنگی شیعه و اثرگذاری در فرهنگ جامعه رقیب

در حدیث امام صادق علیه السلام خواندیم: "حَتَّىٰ صَارَ النَّاسُ يَخْتَاجُونَ إِلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا كَانُوا يَخْتَاجُونَ إِلَى النَّاسِ" این جمله پیدایش تحولی بنیادین و دگرگون‌ساز به رهبری و

۱. به کار بردن "بسته معرفتی" گویای این حقیقت است که فقه شیعه بر پایه دو باور هویت پیدا می‌کند:
الف) باور به وجود خداوند متعال و حاکمیت علی الاطلاق او. (در کتاب گفتگوی منصوبین حازم با امام صادق علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ أَكْلُ وَ أَكْرُمُ مِنْ أَنْ يَعْرِفَ بِخَلْقِهِ بِلِ الْخَلْقِ يَعْرُفُونَ بِاللَّهِ، قَالَ صَدَقَتْ...؛ (اللکافی، ج. ۱، ص ۸۷، اختیار معرفة الرجال، ص ۴۲۰)

ب) باور به انتساب ائمه معصومین علیهم السلام از جانب خداوند متعال به عنوان لسان گویای خدا و حجت بین خالق و خلق و از طرف دیگر هر آن‌چه به عنوان فقه از سوی ایشان بیان شود، عین حق و واقع است: وَ لِكُلِّ ذَلِكَ عِنْدَنَا نَصَارِيفُ وَ مَعَانِ تُوَافِقُ الْحَقِّ (اختیار معرفة الرجال، ص ۱۳۹)

۲. مجموعه آموزه‌های فقهی نیاز لحظه به لحظه هر فرد باورمند جامعه ایمانی است، زیرا هر مکلفی در افعال و گفتار و رفتار خود به احکام خمسه تکلیفیه نیاز دارد، اما در مباحث اعتقادی مانند توحید و امانت به دلیل داشتن لایه‌های متفاوت، امکان دسترسی همه افراد به سطوح مختلف آن در مراحل اولیه دین‌باوری نیست؛ بلکه دریافت بخشی از حقیقت در لایه‌های مباحث توحیدی در پرتو تبعیت از امام معصوم قبل دریافت است.

مدیریت امام علی^ع در رویکرد فرهنگی جامعه شیعی را نشان می‌دهد. نهاد امامت دارای ویژگی‌هایی چون: برخورداری از دانش لازم برای گستراندن آموزه‌های دینی در بستر جامعه است که پاسخ‌گویی به تمام نیازهای دین‌شنختی^۱ و خدایی بودن این دانش^۲ و خطای ناپذیر بودن^۳ را دربردارد. پیامد آن غنی‌شدن شیعه از لحاظ محتوا و رخ‌نمودن هویت فرهنگی مستقل و نیازمندی فرهنگی جامعه اهل سنت به شیعیان بود.

پرسش مهم این است که امام باقر علی^ع چه گام‌هایی را برای این تحول فرهنگی برداشتند تا جامعه شیعه را از این بستر تاریک عبور داده و به استقلال فرهنگی برسانند؟ و چگونه این تحول فرهنگی به دست آیندگان رسید؟

مدیریت فرهنگی جامعه شیعه توسط امام باقر علی^ع

ترمیم فرهنگی جامعه شیعیان و ایمن‌سازی آن در برابر تهدیدهای روز افزون جامعه فرهنگی پیروان مکتب خلفا، نیازمند پیاده‌سازی طرح جدید بود؛ طرحی که توان پوشش‌دادن و برآورده کردن سه هدف اساسی را داشته باشد:

۱. تزریق آموزه‌ها و باورهای گوناگون دینی به جامعه هدف (شیعیان) با نظر داشتنِ مجموع شرائط و عناصر درونی و بیرونی پیرامون جامعه شیعه^۴؛
۲. دستیابی به هویت فرهنگی مستقل و تأثیرنایپذیری از باورهای جامعه فرهنگی

۱. الکافی، ج، ۱، ص ۲۶۱؛ عدّة من أصحابنا منْهُمْ عبدُ الأعلى وَ أبُو عَيْدَةَ وَ عبدُ اللهِ بنِ يَثْرَيْ الخَعْمَيْ سَمِعُوا آبا عبدُ اللهِ علی^ع يَقُولُ: إِنَّ لِأَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ أَعْلَمُ مَا فِي الْجَنَّةِ وَ أَعْلَمُ مَا فِي النَّارِ وَ أَعْلَمُ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ. قَالَ: ثُمَّ مَكَثَ هَنِيَّةً، فَرَأَى أَنَّ ذَلِكَ كَبِيرٌ عَلَى مَنْ سَمِعَهُ مِنْهُ؛ قَالَ: عِلِّمْتُ ذَلِكَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: فِيهِ تِبْيَانٌ كُلُّ شَيْءٍ.
۲. ر.ک: همان، ج، ۱، ص ۲۶۰، بَابُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ علی^ع يَعْلَمُونَ عِلْمًا كَانَ وَ مَا يَكُونُ وَ أَنَّهُ لَا يَخْفَى عَلَيْهِمُ الشَّيْءُ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ. همان، ج، ۱، ص ۲۷۳، بَابُ الرُّوحُ الَّتِي يَسَدِّدُ اللَّهُ بِهَا الْأَئِمَّةَ علی^ع.
۳. ر.ک: همان، ج، ۱، ص ۳۹۹، بَابُ أَنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ مِنَ الْحَقِّ فِي يَدِ النَّاسِ إِلَّا مَا خَرَجَ مِنْ عِنْدِ الْأَئِمَّةِ علی^ع وَ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ لَمْ يَخْرُجْ مِنْ عِنْدِهِمْ فَهُوَ بَاطِلٌ.
۴. ر.ک: نقش عناصر تاریخی در تبیین عقاید اهل بیت علی^ع، فصل دوم، ص ۵۷ تا ۱۳۵؛ ر.ک: التاریخ الاسلامی: دروس و عبر.

اهل سنت^۱؛

۳. فراهم آوردن بستری مناسب برای انتقال آموزه‌ها به نسل‌های آینده با کمترین میزان آسیب‌پذیری و بالاترین میزان باورپذیری.

انقلاب فرهنگی امام باقر علیه السلام با بیان "حدیث" ایجاد شد؛ زیرا حدیث، تنها و مهم‌ترین ابزار برای انتقال و گسترش آموزه‌های دینی معصوم در بستر جامعه ایمانی است.

گستاخانه‌ی ایمانی بین محل زندگی امام و جامعه شیعه، خلائی را پدید آورده بود که برای همه شهروندان جامعه شیعه فرصت برقراری ارتباط حضوری با امام برای دریافت آموزه‌ها ممکن نبود. برای از بین بردن این خلاً چند حالت قابل تصور است: کوچ شیعیان به مدینه جهت دانش‌اندوزی یا اقامت امام در جامعه شیعه (کوفه)؛^۲ در حالی که این دو اتفاق پدیدار نشد، رخداد سوم "تربيت فرهیختگان شیعه در متن جامعه" بود.

جامعه شیعه نیازمند نخبگانی بود که در بالاترین مرتبه دین‌شناسی پس از معصوم قرار بگیرند تا خلاً وجود امام را در مناطق مختلف به جهت نقش آفرینی فرهنگی از میان بردارند.^۳

مهم‌ترین حرکت امام باقر علیه السلام، تربیت راویان کوشش و فرهنگ‌گستر مانند " أصحاب آبی" بود که با دریافت حداکثری آموزه‌های دینی و نشر آن در بستر جامعه فرهنگی

۱. الکافی، ج ۲، ص ۳۰ ... حتیَّ صَارَ النَّاسُ يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا كَانُوا يَحْتَاجُونَ إِلَى النَّاسِ.

۲. از بعضی گزارش‌ها چنین استنباط می‌شود که امام صادق علیه السلام برای مدت محدودی در کوفه اقامت داشتند. (در که فرحة الفرجی، ص ۵۸)

۳. امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه "وَ مَنْ يُتَّقِ اللهُ يَجْعَلُ لَهُ مُخْرَجًا وَ يُرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ" اشاره به خلاً بین امام و شیعیانی نموده که امکان تحصیل آموزه‌ها را به گونه مستقیم ندارند؛ اما خداوند افرادی را به عنوان ابزار کارآمد می‌گمارد تا آموزه‌های اهل‌بیت را به این افراد برسانند (در که الکافی، ج ۱۷۸ ص ۸)

شیعه، زمینه ایمن سازی آن فرهنگ از انحرافات را فراهم آورdenد.

محمد بن مسلم با چهار سال اقامت در مدینه، در پی روحیه پرسش گری خود، اندوخته‌های دین‌شناختی فراوانی را به دست آورد و به جایگاه دین‌شناس برتر ارتقاء یافت. برآیند آن، سی هزار روایت از امام باقر علیه السلام و شانزده هزار روایت از امام صادق علیه السلام است.^۱

زراره از افرادی بود که در مدینه اقامت گزید و با داشتن وقت اختصاصی بین نماز ظهر و عصر از امام باقر علیه السلام، این امکان برای او فراهم آمد تا در مدت زمان طولانی، آموزه‌های دینی را بی‌واسطه از ایشان فرا بگیرد.^۲

ابان بن تغلب روایات فراوانی را از امام باقر علیه السلام دریافت و به دستور ایشان در مسجد مدینه نشست و فتوی می‌داد.^۳

با نگاه آماری زیر می‌توان راویان دین‌شناس و پُرکار^۴ را - که به دلیل برخورداری حد اکثری از آموزه‌های دینی در رفع نیاز و اصلاح فرهنگ جامعه نقش آفریدند - پی‌گرفت:

در کتب اربعه شیعه تعداد ۸۲۷۴ سند^۵ از امام باقر علیه السلام توسط ۳۶۰ راوی نقل شده است که هشت نفر اول بر اساس میزان فراوانی در جدول زیر درج گردیده است:

۱. اختیار معرفة الرجال، ص ۱۶۷.

۲. الکافی، ج ۷، ص ۹۴ ... فَاتَّيْهُ مِنَ الْقِدْرَ بَعْدَ الظَّهَرِ وَ كَانَتْ سَاعَتِي الَّتِي كُنْتُ أَخْلُو بِهِ فِيهَا بَيْنَ الظَّهَرِ وَالْعَصْرِ ...

۳. رجال النجاشی، ص ۱۰؛ اجلس فی مسجد المدینة و أفت الناس، فَإِنِّي أَحَبُّ أَنْ يَرَى فِي شِعْنَتِي مَثْلِكَ.

۴. فردی که در طرق نقل بسیاری از کتاب‌های قرار گرفته باشد، به عنوان راوی فعال و پر کار و پر تکرار شناخته می‌شود. (اعتبار سنجی احادیث شیعه، ص ۱۷۴)

۵. کاربست واژه "سند" به جای "روایت" به سبب تکراری بودن برخی احادیث در کتب اربعه است.

درصد	تعداد سند	نام راوی
% ۲۴/۱۹	سند ۱۸۶۶	محمد بن مسلم الثقفي
% ۲۴/۱۷	سند ۱۸۶۵	زراة بن اعين الشيباني
% ۵/۶۵	سند ۴۳۶	يحيى أبو بصير الأصدى
% ۴/۹۳	سند ۳۸۰	محمد بن قيس ابو عبدالله البجلي
% ۳/۸۰	سند ۲۹۳	جابر بن يزيد الجعفي
% ۳/۱۱	سند ۲۴۰	ثابت بن دينار ابو حمزه الشمالي
% ۲/۷۲	سند ۲۱۰	الفضيل بن يسار النهدي
% ۲/۶۲	سند ۲۰۲	بريد بن معاويه العجلاني

از این آمار به دست می‌آید که ۷۱ / ۱۹ درصد از تراث حدیثی امام باقر علیه السلام توسط هشت راوی کوشان و ۲۸/۸۱ درصد دیگر توسط ۳۵۲ راوی دیگر نقل شده است. طرح این پرسش جای دارد که اصحاب پُرکار امام باقر علیه السلام بر پایه کدام ویژگی‌ها و کارکردها به این جایگاه علمی و نقش آفرینی کم‌نظیر در انتقال آموزه‌های شیعی به نسل‌های پس از خود رسیدند؟

کارکردهای فرهنگی مصادیق "اصحاح‌آبی"

نقش فرهنگی مصادیق "اصحاح‌آبی" در میان چهار تهدید زیر رخ می‌نماید:

الف) تهی‌دستی فرهنگی همه جانبه جامعه شیعه.

ب) سمپراکنی گروه‌های تخریب‌گر فرهنگی در کوفه مانند اهل رأی.^۱

ج) تهدید بنیان افکن جریان انحرافی غلو.^۲

د) پدیده گستاخی جغرافیایی میان جامعه شیعه و امام علیه السلام.

با توجه به چهار پدیده فوق در جامعه شیعه، امام باقر علیه السلام به تربیت افرادی همت

۱. ر.کد: مقاله اصحاب رأی، دانشنامه معارف بزرگ اسلامی، ج ۹، ص ۱۱۲۶ تا ۱۳۲.

۲. ر.کد: اعتبار سنجی / حدیث شیعه، ص ۳۹۴.

گماردند تا با فرض عدم حضور امام در بستر جامعه، بتوانند نبض فرهنگی جامعه شیعه را در همه عرصه‌های دینی کنترل کنند. بی‌گمان جامعیت دین‌شناسی، مهم‌ترین نیاز این افراد بود تا بتوانند وظیفه خود در پاسبانی از حریم دین را در زدودن بحران‌های فرهنگی نشان دهند.

از سوی دیگر فرا زمان و مکان بودن فرهنگ غنی اسلام بایسته می‌نمود که مجموعه داشته‌های فرهنگی این افراد به نسل‌های پسین انتقال داده شود تا برای آیندگان راهگشا باشد.

عامل بنیادینِ محبوب شدن و اعتماد به این افراد خاص، کوشش بودن در دو عرصه دریافت دقیق آموزه‌ها از امام و گستراندن آن‌ها در بستر جامعه به بهترین شکل ممکن است.

آنان با فقه‌مداری و نهادینه کردن آموزه‌های فقهی به تحول و غنای جامعه شیعه می‌اندیشیدند و از طرف دیگر جامعه را از افتادن در دام فقه‌گریزی و اباوه‌گری غالیان بر حذر می‌داشتند.

این گونه نقش آفرینی، اینان را شایسته دریافت نشان پر افتخار " أصحابُ أَبَيٍّ" به عنوان زنده‌کنندگان و مدافعان فرهنگ دینی می‌کند.^۱

در گزارش‌های مختلف از امام صادق علیه السلام، افرون بر روشن‌ساختنِ هویت " أصحابُ أَبَيٍّ"، به کارکرد فرهنگی آن‌ها و دلیل بزرگ داشت ایشان اشاره شده است:

۱. مرجعیت در دین‌شناسی

فضای جامعه شیعه در بازه زمانی صادقین علیهم السلام نیاز به دین‌شناسان جامع داشت تا با کوشش و اثرگذاری در بستر جامعه، دگرگونی فرهنگی را رقم زنند.^۲

۱. مستندات سطور فوق در ادامه مطالب این بخش ذکر خواهد شد.

۲. از صدر روایت «عَالِمٌ يَنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفَ عَابِرٍ» (الکافی، ج ۱، ص ۳۳) می‌توان دو ویژگی را برای اصحاب <

توان دین شناختی همه جانبی "اصحابُ أَبِي" در مرحله‌ای قرار داشت که به عنوان مخزن علم امام باقر و صادق^{علیهم السلام} و حاملان اسرار معرفی گردیدند. کشی در گزارشی، این کارکرد و توان را چنین حکایت می‌کند: «...وَ كَانُوا عَيْنَةً عِلْمِهِ وَ كَذَلِكَ الْيَوْمَ هُنْ عِنْدِي، هُنْ مُسْتَوْدَعُ سِرِّي...»^۱

کشی در گزارش دیگر از طبقه اول اصحاب اجماع، چهره "اصحابُ أَبِي" را در جامعیت دین شناختی به تصویر کشیده است.^۲

نجاشی در یادکرد یکی از "اصحابُ أَبِي" یعنی زراره می‌گوید: "زراة بن أعين... شیخ أصحابنا فی زمانه و متقدمهم... قد اجتمعت فيه خلال الفضل و الدين، صادقا فیما یرویه".^۳

روشن‌ترین خصوصیتی که بر پایه سخن نجاشی می‌توان برداشت کرد، در برداشتن تمام نشانه‌های فضل و دین در زراره است.

محمدبن مسلم از دیگر راویانی است که با تکیه بر اندوخته‌های علمی خود به عنوان برترین فقهاء شناخته شده^۴ و تا بدان جایگاه ارتقاء می‌یابد که مرجع رفع اختلافات میان زراره و هشامبن‌سالم قرار می‌گیرد.^۵ نجاشی او را فقیه و مورد اعتمادترین یاران امام معرفی کرده است.^۶

الباقر^{علیه السلام} تصویر کرد: دین شناس کامل و جامع به همراه تاثیرگذاری در جامعه.

۱. / اختیار معرفة الرجال، ص ۱۳۷.

۲. همان، ص ۲۳۸.

۳. رجال النجاشی، ص ۱۷۵.

۴. / اختیار معرفة الرجال، ص ۱۳۶؛ قال أبو احمد: فسمعت عبد الرحمن بن الحجاج و حماد بن عثمان يقولان: ما كان أحد من الشيعة أفقه من محمد بن مسلم.

۵. الإختصاص، ص ۵۳؛ عن ابن أبي عمر أن هشام بن سالم قال له: ما اختلفت أنا و زرارة قط فاتينا محمد بن مسلم؛ فسألناه عن ذلك إ قال لنا قال أبو جعفر عليه السلام فيها كذا و كذا، و قال أبو عبد الله عليه السلام فيها كذا و كذا.

۶. رجال النجاشی، ص ۳۲۴.

۲. پاسداری از حریم دین

در گزارش عیسی بن السری مهم‌ترین و گستردہ‌ترین کار امام باقر علیه السلام بازگردان حلال و حرام تبیین شده است. در گزارش‌های مختلف دیگر، مصادیق "اصحاب أَبِي" به عنوان حافظان حریم دین مورد توجه قرار گرفته‌اند: «هُوَلَاءُ حُفَاظُ الدِّينِ»^۱ زیرا در بازگو کردن احکام حلال و حرامی که از امام باقر علیه السلام در اختیار داشتند، امین بودند.^۲ به سبب پاسداری صحیح از این امانت، طالبان علم را برای دریافت بسته‌های معرفتی به آن‌ها ارجاع داده‌اند.^۳

تحول فرهنگی با توجه به دور بودن مرکز استقرار شیعیان (کوفه) از مدینه که امام در آن می‌زیستند، بدون بهره‌گیری از فرهیختگان جامعه شیعی امکان‌پذیر نبود. "اصحاب أَبِي" در دو عرصه دریافت آموزه‌های معارفی و فقهی از امام و گستراندن آن در جامعه شیعی با امانت‌داری کامل به بهترین شکل ممکن، نقش آفرینی کردند.^۴ زنده کردن یاد اهل بیت علیهم السلام^۵ و برپا داشتن یاد امام باقر علیه السلام، پیش‌گیری از فراموش شدن آثار نبوت^۶ و پاسداری از آثار امام باقر علیه السلام^۷ از دیگر کارکردهای

۱. اختیار معرفة الرجال، ص ۱۳۶.

۲. در گزارش‌های رسیده از امام صادق علیه السلام تکرار و تاکید درباره امانت‌داری "اصحاب أَبِي" قابل مشاهده است: هُوَلَاءُ حُفَاظُ الدِّينُ وَأَمَانُهُ أَبِي عَلَيْهِ حَلَالُ اللَّهِ وَ حَرَامِهِ (همان، ص ۱۳۶)، اَتَمْنَهُمْ عَلَى حَلَالِ اللَّهِ وَ حَرَامِهِ (همان، ص ۱۳۷)، أَرْبَعَةُ نُجَاهَاءُ أَمَانُ اللَّهِ عَلَى حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ (همان، ص ۱۷۰)، هُوَلَاءُ الْقَوْلُونَ بِالْحَدْقِ (همان، ص ۲۳۹).

۳. همان، ص ۱۳۵ و ۱۶۱.

۴. در انتهای مقاله حاضر اشاره می‌شود که اصحاب ابی در دریافت و گستراندن احادیث پاییند به سیستمی بودند که امام باقر علیه السلام برای آن‌ها ترسیم کرد، به همین جهت جامعه شیعه احادیث را به بهترین شکل ممکن دریافت کردند.

۵. همان، ص ۱۳۶؛ عن سُلَيْمَانَ بْنَ خَالِدَ الْأَطْطَعِ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلِيًّا يَقُولُ: مَا أَحَدُ أَحْيَا ذِكْرَنَا وَ أَحَادِيثَ أَبِي عَلَيْهِ إِلَّا زُرَارَةٌ وَ أَبُو يَصِيرٍ لَبِثُ الْمُرَادِيِّ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ بُرَيْدَيْنَ مَعَاوِيَةَ الْعِجلِيِّ... .

۶. همان، ص ۱۳۷؛ يَحْيَيُونَ ذِكْرَ أَبِي عَلَيْهِ.

۷. همان، ص ۱۷۰؛ لَوْلَا هُوَلَاءُ انْقَطَعَتْ أَثَارُ الْبُيُوتَةِ وَ انْدَرَسَتْ.

۸. همان، ص ۱۳۶؛ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلِيًّا: رَجَمَ اللَّهُ زُرَارَةَ بْنَ أَعْنَى لَوْلَا زُرَارَةُ وَ نَظَرَاؤُهُ لَانْدَرَسَتْ أَحَادِيثُ أَبِي عَلَيْهِ.

" أصحابُ أَبِي" در جهت دفاع از حریم دین نام برده شده است.

۳. توانمندی در زدودن بحران‌های فرهنگی

همان‌گونه که گذشت، در راهبرد امام باقر علیه السلام، گسترش همه جانبی و فراگیر آموزه‌های فقهی در اولویت نخستین قرار گرفت. از سوی دیگر جریان‌های انحرافی مانند غالیان، زدودن فقه مداری و گسترش ابا‌حه‌گری را در دستور کار خود قرار داده بودند^۱؛ با توجه به این دو واقعیت مهم، خوانش گزارش‌های زیر معنا و مفهومی ویژه پیدا می‌کند:

كشى در رجال خود گزارش مى‌کند: "بِهِمْ يَكْثِيفُ اللَّهُ كُلَّ بِدْعَةٍ يَنْفُونَ عَنْ هَذَا الدِّينِ اِنْتِحَالَ الْمُبْطِلِيْنَ وَ تَأْوِيلَ الْعَالَيْنَ"^۲ این گزارش به روشنی به بیان کارکرد راویان دین‌شناسی می‌پردازد که وجود خود را ظرف آموزه‌های هدایتی فراگرفته از نهاد امامت قرار داده‌اند؛ کارکردی که در پرتو بهره‌گیری دانش دینی از مجرای عصمت و کاربست درست آن در عرصه اجتماع - نقشی چون نقش امامان که در ضمن حدیث پیامبر گرامی در کتاب قرب الإسناد^۳ بدان اشارت رفته است - برای این گروه از راویان رقم می‌زند. این نقش عبارت است از: پیراستن دین از تحریف گزافکاران و ساخته‌های باطل پسندان و تأویل نادانان.

نکته در خور درنگ در گزارش «إِنَّكَ أَفْضَلَ سُفْنَ ذَلِكَ الْبَحْرِ الْقَمَقَامِ الرَّازِخِ»^۴ یادکرد از زراره به عنوان ایمن‌ترین کشتی فرهنگی در اقیانوس عمیق متلاطم و توفان زده است که بستری امن و پیراسته از هر کثری را برای دریافت آموزه‌های دینی فراهم

۱. ر.ک: دعائیم الإسلام، ص ۴۸ تا ۵۰.

۲. اختیار معرفة الرجال، ص ۱۳۷.

۳. قرب الإسناد، ص ۷۷: أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ: «فِي كُلِّ خَلْفٍ مِنْ أُمَّتِي عَدْلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُنْفَى عَنْ هَذَا الدِّينِ تَحْرِيفُ الْعَالَيْنَ، وَ اِنْتِحَالَ الْمُبْطِلِيْنَ، وَ تَأْوِيلَ الْجُهَّالِ...»

۴. اختیار معرفة الرجال، ص ۱۳۹.

می آورد؛ پر واضح است که خارج از چنین مسیری امکان انحراف و نرسیدن به حقیقت دین وجود دارد.

این گزارش‌ها رویارویی مستقیم و همه جانبه "اصحابُ أَبِي" به وسیله نشر آموزه‌ها در برابر تهدیدها و انحراف‌ها را نشان می‌دهد. توان ایمن‌سازی فرهنگی از طرف آن‌ها بحران‌های فرهنگی جریان‌های منحرف را می‌زداید و جامعه را از کژی‌ها و ناراستی‌ها عبور می‌دهد. این پدیده تا آنجا ادامه یافت که مخالفان، تاب ایستادگی در برابر حرکت فرهنگی عمیق و همه جانبه و هدف‌دار امام باقر علیهم السلام را نداشتند. جمیل بن دراج در گزارش کوتاهی نقش تاثیرگذار یاران آن حضرت را در زدودن جریان انحرافی غلوّ نمایانده و می‌گوید: غالیان را بر اساس بعض‌شان نسبت به مصادیق "اصحابُ أَبِي" شناسایی می‌کردیم.^۱

۴. راه‌گشایی برای نسل‌های آینده

استمرار حیات احادیث امام باقر علیهم السلام و جلوگیری از نابودی و به فراموشی سپردن آن، مدیون تلاش‌های "اصحابُ أَبِي" است: لَوْ لَا رُزَارَةٌ وَ نُظَرَاؤُهُ لَأَنْدَرَسْتُ أَحَادِيثُ أَبِي عَلِيِّلَةَ.^۲ از طرف دیگر این افراد کوشان امکان دریافت و کشف حقیقت دین را برای نسل‌های پسین فراهم آوردن: وَ لَوْ لَا هُوَلَاءُ مَا كَانَ أَحَدٌ يَسْتَبِطُ هَذَا....^۳

برونداد تعهد امام صادق علیهم السلام به پدرشان نسبت به اصحاب پدر

همان‌طور که اشاره گردید، امام صادق علیهم السلام به پدرشان تعهد دادند: فدایت گردم، به خدا سوگند زمانی آن‌ها (اصحاب ابی) را رها می‌کنم که هر یک از آنان در شهری که قرار دارد، نیاز به پرسیدن از کسی نداشته باشد.^۴

۱. همان، ص ۱۳۸؛ قَالَ جَمِيلُ: وَ كُثُرٌ تَعِيفُ أَصْحَابَ أَبِي الْخَطَابِ بِعُضِّيَّهُ هُوَلَاءُ رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ.

۲. همان، ص ۱۳۶.

۳. همان، ص ۱۳۶؛ "هذا" در این روایت اشاره به دین دارد.

۴. الکافی، ج ۱، ص ۳۰۶؛ جُعْلْتُ فَدَائِكَ وَ اللَّهُ لَأَدْعَهُمْ وَ الرَّجُلُ مِنْهُمْ يَكُونُ فِي الْمِصْرِ فَلَا يَسْأَلُ أَحَدًا.

نکته در خور درنگ این است که امام صادق علیه السلام وقتی از "اصحابُ أَبِي" به عنوان مخزن علم امام^۱، حافظان دین^۲، امانتداران در بازگویی احکام^۳ یاد می‌کند، به جامعیت آن‌ها اشاره کرده است.

تعهد امام به پدر خود، رویدادن اتفاقات جدید در جامعه مسلمین را نشان می‌دهد. از یک جهت جامعه رقیب با اجرای طرح‌های فرهنگی به دنبال تخریب بنیان‌های فرهنگی شیعه بود و از سوی دیگر، اصحاب امام از آگاهی کافی و همه جانبه نسبت به زوایا و ابعاد طرح‌های آن‌ها برخوردار نبودند.

پر واضح است که جامعه شیعه با توجه به نیازها و چالش‌ها و تهاجم‌های فرهنگی جدید، نیازمند تسلیح و تجهیز مجلد جهت تقویت زیرساخت‌ها و غنی‌سازی و ایمن‌سازی فرهنگ شیعی بود. در این بازه زمانی تنها برای امام که آگاه نسبت به آینده و پدیده‌های پدیدار شده آگاهی کامل دارد، توان تشخیص نیازها وجود دارد. طبیعی است که چنین امامی بهترین راهکار را برای موضع‌گیری جامعه شیعه در برابر بحران‌ها و رخدادهای فرهنگی در آینده ارائه می‌دهد.^۴

پیامد گامهایی که امام نسبت به افزایشِ توانِ دین‌شناسحتی برای رساندن به مرحله شایستهٔ فقاوت و مرجعیت علمی برداشتند، در گزارش جمیل بن دراج نمودی

^۱ جالب توجه است که امام صادق علیه السلام تعهد خود را با سه تاکید بیان کردند که حکایت‌گر اهمیت بسیار زیاد دغدغه امام باقر علیه السلام است: الف) شروع این جمله با قسم "وَ اللَّهُ، بِ لَامْ بِرْ سُرْ فُلْ مُضَارِعْ، جِ نُونْ تاکید تقیله.

^۲ ۱/ اختصار معرفة الرجال، ص: ۱۳۷؛ کَانُوا عَيْنَةً عِلْمِهِ وَ كَذَلِكَ الْيَوْمُ هُمْ عِنْدِي، هُمْ مُسْتَوْدِعُ سِرِّي.

^۳ همان، ص: ۱۳۶.

^۴ ۳. همان، ص: ۱۳۶ و ۱۳۷ و ۱۷۰ و ۲۳۹.

۴. یکی از موارد تاکید امام صادق علیه السلام به کتابت و انتشار حدیث بین عموم جامعه شیعه، وجود اتفاقاتی است که آیندگان با آن روبرو هستند و با استفاده از کلام امام از آن عبور خواهند کرد: قال ابو عبد الله علیه السلام: «اَكْتُبْ وَ بَثْ عِلْمَكَ فِي إِخْوَانِكَ؛ فَإِنْ مِنْ فَأَوْرُثْ كُتُبَكَ بَنِيكَ، فَإِنَّهُ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ هَرُجَ لَا يَأْتُسُونَ فِيهِ إِلَّا يُكْتَبُهُمْ». (الكافی، ج: ۱، ص: ۵۲)

آشکار پیدا کرده است^۱ تا نشان دهد امام صادق علیه السلام تعهد خود را در قبال دغدغه‌های امام باقر علیه السلام و بروزن داد علمی آن به انجام رسانده است.

برون داد علمی تعهد امام صادق علیه السلام

در میان نگاشته‌های حدیثی، گزارش‌های فراوانی از امام صادق علیه السلام در جهت شناخت منزلت شیعیان و اصحاب می‌توان دید، از جمله: «اعْرُفُوا مَنَازِلَ شِيعَتَنَا بِقَدْرِ مَا يُحْسِنُونَ مِنْ رِوَايَاتِهِمْ عَنَّا، فَإِنَّا لَا نَعْدُ الْفُقِيقَةَ مِنْهُمْ فَقِيهًا حَتَّى يَكُونَ مُحَدَّثًا؛ فَقَبْلَ لَهُ أَوْ يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُحَدَّثًا؟ قَالَ: يَكُونُ مُفَهَّمًا وَ الْمُفَهَّمُ مُحَدَّثٌ».^۲

در روایت پیش‌رو، شناخت منزلت شیعیان را به اندازه توجه دادن به کارکرد دین گسترانه و انتقال احادیث به بهترین شکل ممکن به جامعه می‌داند که در عبارت "بِقَدْرِ مَا يُحْسِنُونَ مِنْ رِوَايَاتِهِمْ عَنَّا" بدان اشارت رفته است.

طبعی است که هر چه دامنه دین گسترنی را افزایش یابد، جامعیت علمی او فراتر می‌رود تا آنکه به مقام فقاوت و دین‌شناسی دست می‌یازد. این مقامی است که به دلیل ارتباط پیوسته با امام، به دست آمده، به گونه‌ای که از آن به مقام "تحدیث"^۳ یاد می‌شود.^۴

از نکته سابق چنین بر می‌آید که "مَنَازِلَ شِيعَتَنَا" در بیان شاخصه راویان مورد وثوق برای دریافت آموزه‌های صحیح است که پرآوازه‌ترین آن‌ها "أَصْحَاحُ أَبِي" – به عنوان تمام نمای تفکر شیعه – است که عبارت بودند از: زراره، محمد بن مسلم، ابوبصیر، برید و ...

۱. اختیار معرفة الرجال، ص ۱۳۷؛ کانوا عبَّةَ عِلْمِهِ وَ كَذَلِكَ أَلْيَومَ هُمْ عِنْدِي، هُمْ مُسْتَوْدِعُ سِرِّي.

۲. همان، ص ۳؛ منزلت شیعیان ما را به اندازه آنچه از روایات ما می‌دانند بشناسید؛ چرا که ما شیعه فقیه را فقیه نمی‌دانیم تا آنکه محدث باشد. از امام سوال شد: آیا مؤمن هم محدث می‌شود؟ حضرت فرمود: مؤمن، مفهوم است و مفهوم همان محدث است.

۳. ر.ک: کتاب: آموزه تحدیث در خوانش شیعه و اهل سنت.

۴. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ج ۱، ص ۳۰۷؛ عَبِيدِينَ هَلَالٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا علیه السلام يَقُولُ: إِنِّي أَحِبُّ أَنْ يَكُونَ الْمُؤْمِنُ مُحَدَّثًا. قَالَ: قَلْتُ: وَ أَيْ شَيْءٍ الْمُحَدَّثُ؟ قَالَ: الْمُهْمَمُ.



چنین افرادی از علم امام لبریز شده و در کوفه به دین گستری پرداختند؛ چنانکه با تهاجم‌های فرهنگی یا سوء برداشت‌های برخاسته از متن جامعه در تقابل بود و با ارتزاق فکری از جانب امام به عنوان مخزن علم و حامل اسرار امام مطرح گردیدند،^۱ به گونه‌ای که آن‌ها را به چراغ هدایت فرا روی جامعه شیعه^۲ و ایمن‌ترین کشتی فرهنگی در اقیانوس عمیق متلاطم و طوفان زده تبدیل کرد.^۳

گزارش‌های فراوان در کتاب‌های حدیثی و رجالی، تحقق برونداد علمی مصادیق «اصحابُ أَبِي» را در دو حیطه - یعنی مرجعیت علمی آن‌ها در پاسخ‌گویی به نیازهای دین‌شناختی و هم‌چنین شاگردپروری - رخ می‌نمایاند:

الف) مرجعیت علمی در برطرف ساختن نیازهای دین‌شناختی

دسترسی به امام، همیشه و به راحتی امکان‌پذیر نبود، لذا چاره‌ی کار در رجوع به افرادی قرار داشت که توان‌مندی ایشان در پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و نیازهای دین‌شناختی مورد تأیید امام بود و آن‌ها را قابل اعتماد می‌خواند؛ پنج گزارش زیر، هر دو شاخصه را در دل خود جای داده‌است:

گزارش نخست: کشی از یونس بن یعقوب روایت کرده که گفت: ما نزد امام صادق علیه السلام بودیم. آن حضرت فرمود: «أَ مَا لَكُمْ مِنْ مَفْرِعٍ؟ أَ مَا لَكُمْ مِنْ مُسْتَرَاحٍ تَسْتَرِيحُونَ إِلَيْهِ؟ مَا يَعْنِكُمْ مِنَ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغَيْرَةِ التَّصْرِي؟»^۴

گزارش حاضر با توجه به گزینش واژه‌ها در قالب استفهم انکاری، در پی تفہیم این نکته است که در بستر جامعه فرهنگی شیعه راویانی وجود دارند که بی‌هیچ

۱. اختیار معرفة الرجال، ص ۱۳۷؛ کاتُوْ عَيَّةَ عِلْمِهِ ...

۲. همان، ص ۱۳۷؛ هُمْ نُجُومُ شِيَعَةِ أَحْيَاءٍ وَأَمْوَاتٍ يَحْيُونَ.

۳. همان، ص ۱۳۹؛ ... فَإِنَّكَ أَفْضَلُ سُفُنَ ذَلِكَ الْبَحْرِ الْمُقَمَّمَ الرَّأْخَرِ.

۴. همان، ص ۳۳۷؛ آیا شما پناهگاه ندارید؟ آیا شما جایگاه آرامش که در پرتو آن آرامش یابید ندارید؟ چه چیز جلوگیر شماست از مراجعه به حارت بن مغیره نصری؟

دغدغه، می‌توان از آن‌ها آموزه‌های دینی را دریافت کرد.

گزارش دوم: عبدالله بن ابی یعفور به امام صادق علیه السلام عرض کرد: من در هر ساعت که بخواهم، نمی‌توانم شما را ملاقات کنم و امکان نمی‌یابم خدمت شما مشرف شوم. گاهی برخی از اصحاب ما به نزد من می‌آیند و از من چیزی می‌پرسند و من پاسخ همه آن پرسش‌های آنها را نمی‌دانم. حضرت فرمود: «فَمَا يَمْتَحِكُ مِنْ مُحَمَّدٍ بْنُ مُسْلِمٍ الشَّفَّافِي فَإِنَّهُ قَدْ سَعَى مِنْ أَبِي وَ كَانَ عِنْدَهُ وَجِيهًا».^۱

این گزارش نشان از دغدغه عبدالله بن ابی یعفور درباره فراهم نبودن همیشگی دسترسی به امام دارد؛ امام صادق علیه السلام در فرونشاندن این دغدغه، وی را به محمد بن مسلم ارجاع می‌دهند. فراز آخر گزارش در پی بیان این نکته است که با وجود محمد بن مسلم و اندوخته‌های دین‌شناختی او جای دغدغه و تردیدی برای دریافت آموزه‌های دینی از وی نیست.

گزارش سوم: کشی از شعیب عقرقوفی روایت کرده که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: چه بسا ما نیازمند شدیم در مورد چیزی از کسی بپرسیم، از چه کسی بپرسیم؟ فرمود: عَلَيْكَ بِالْأَسْدِيِّ، يَعْنِي أَبَا بَصِيرِ.^۲

امام صادق علیه السلام به دلیل توان دین‌شناختی و کارآمدی که در ابوبصیر سراغ داشت، شعیب عقرقوفی را به ایشان -که دایی شعیب^۳ است- ارجاع می‌دهند.

گزارش چهارم: با بررسی گزارش‌های رجال کشی به گزارشی بر می‌خوریم که نشان از دغدغه فیض بن مختار دارد؛ دغدغه‌ای که جز با اطمینان قلب و آرامش خاطر فرو نمی‌نشیند. امام صادق علیه السلام به هدف فرو نشاندن این دغدغه و رساندن به

۱. همان، ص ۱۶۱؛ "چرا از محدثین مسلم تقاضی نمی‌پرسی؟ او مسائل را از پدرم شنیده، و نزد او بسیار محترم بود."

۲. همان، ص ۱۷۱.

۳. رجال النجاشی، ص ۱۹۵؛ شعیب العقرقوفی ابویعقوب ابن اخت ابی بصیر یحیی بن القاسم.



آرامش، او را به زراره ارجاع می‌دهند.^۱
گزارش پنجم: امام صادق علیه السلام، علی بن سعید بصری را به فضیل بن یسار ارجاع داده و مقام علمی او را تأیید کرده است.^۲

توجه به این نکته سودمند است که در میان راویانی که به عنوان مرجع پاسخگویی به پرسش‌های دین‌شناختی اصحاب معرفی شدند، مصاديق "اصحاب ائمّه" را می‌توان یافت؛ همان‌هایی که امام صادق علیه السلام متعهد گردیدند که آن‌ها را به قله فقاهت رسانده؛ تا به آن حد که بی‌نیاز از پرسیدن باشند، در حالی که دیگران برای دریافت پاسخ‌های خود به آن‌ها نیازمند بودند.

به عنوان شاهد، می‌توان به کلام نجاشی استناد کرد که درباره علاقه و اشتیاق جامعه مدینه به فراگیری آموزه‌های دینی از ابان می‌گوید: "هر گاه ابان بن تغلب به مدینه می‌رفت، مردمان مدینه برای استماع حدیث و استفاده مسائل بر او هجوم می‌آوردند، چنان‌که غیر از ستون مسجد النبی، جای خالی باقی نمی‌ماند".^۳

ب) شاگردپروری و انتقال تراث به نسل‌های پسین

پیامد مرجعیت علمی، تربیت شاگرد برای انتقال احادیث به نسل‌های آینده است. در این فراز به خوانش گزارش‌هایی پرداخته می‌شود که چهره علمی افرادی مانند محمدبن مسلم و زراره در شاگردپروری را نشان دهد.

نجاشی مهم‌ترین شاخصه محمدبن مسلم را "فقهمداری" می‌داند^۴ و در ضمن سخن از علاءبن‌رزین به عنوان چهره‌ای سرشناس و قابل اعتماد، به شاگردپروری

۱. اختیار معرفة الرجال، ص ۱۳۵.

۲. تهذیب الأحكام، ج ۳، ص ۲۷.

۳. رجال النجاشی، ص ۱؛ و کان أباً إذا قدم المدينة تقوست إليه الحلق، و أخليت له سارية النبي ﷺ.

۴. همان، ص ۳۲۳؛ با کناره هم چیدن توصیف «فقیه» در شرح حال محمد بن مسلم و «فقه علیه» در شرح حال علاء بن رزین، می‌توان «فقه مداری» یا «فقاهمت» را مهم‌ترین شاخصه محمد بن مسلم نزد اصحاب برشمود.

و فقاهت محمد بن مسلم اشاره می‌کند،^۱ زیرا علاء فقه را از او آموخته است و بیشترین رابطه روایی با احادیث محمدبن مسلم دارد.

همو به هنگام نمایش از چهره علمی زراره، او را مجسمه فضل و دین می‌داند.^۲ جمیل بن دراج از برترین فقیهان طبقه دوم اصحاب اجماع، جایگاه دین شناختی و بالندگی علمی خویش را مرهون آموزه‌هایی می‌داند که از زراره فرا گرفته است.^۳ جدول زیر میزان دریافت آموزه‌های دینی برخی از مصادیق «اصحاب ابی» از صادقین علیهم السلام و تعداد روایانی که آن آموزه‌ها را به نسل بعد انتقال دادند، به تصویر کشیده است.

تعداد سندهای نقل شده از امام باقر علیه السلام در کتب اربعه: ۸۲۷۴				
تعداد سندهای نقل شده از امام صادق علیه السلام در کتب اربعه: ۳۱۴۵۱				
نام راوی	مقدار نقل از امام باقر علیه السلام	مقدار نقل از امام صادق علیه السلام	جمع نقل از دو امام	تعداد راویان انتقال دهنده
محمدبن مسلم	۱۸۶۶	۱۲۹۰	۳۱۵۶	۱۰۶
زاراۃ بن اعین	۱۸۶۵	۸۱۰	۲۶۷۵	۹۳
ابوبصیر الاسدی	۴۳۶	۲۰۲۲	۲۴۵۸	۱۴۹
بریدبن معاویه	۲۰۲	۱۳۸	۳۴۰	۳۷

در نمودار زیر، روایان نسل اول امام باقر علیه السلام (اصحاحُ أَبِي) به عنوان سرشاخه

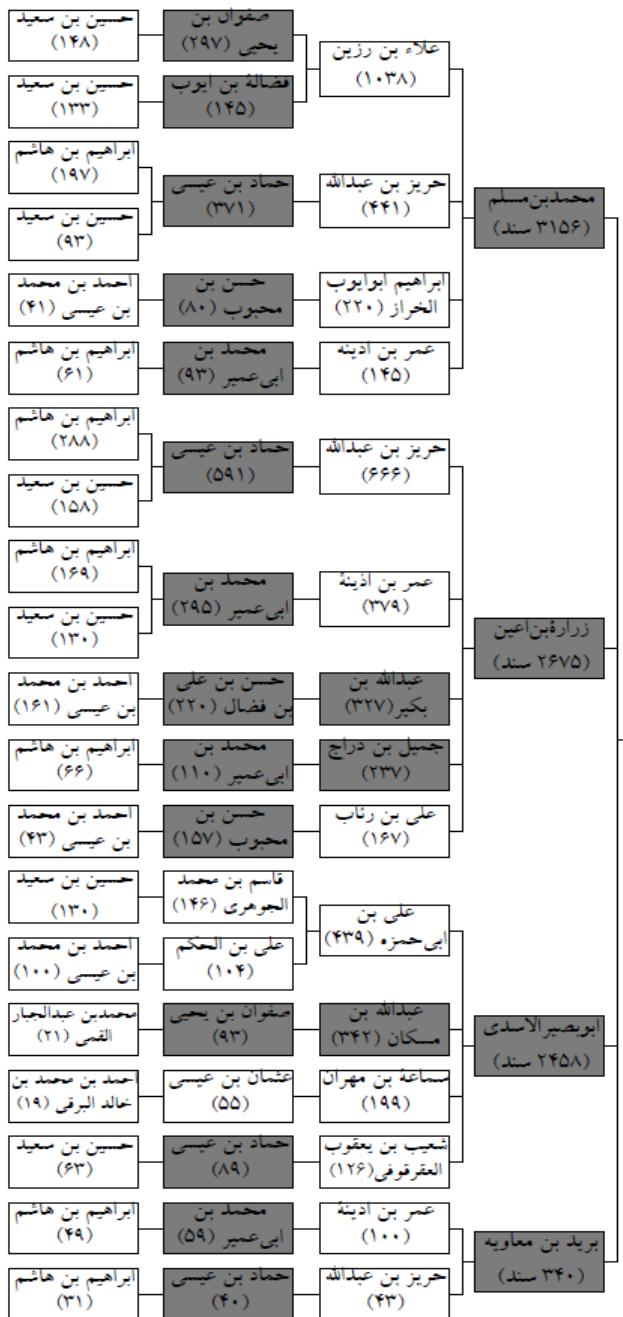
۱. همان، ص: ۲۹۸؛ العلابین رزین القلاع تدقی... و صحاب محمد بن مسلم و فقهه علیه و کان ثقة وجه.
۲. همان، ص: ۱۷۵؛ زرارۃ بن اعین بن سنسن... شیخ أصحابنا فی زمانه و متقدمهم، و کان قارئاً فقیهها متكلماً شاعراً أدیباً، قد اجتمعت فيه خلال الفضل والدين، صادقاً فی ما يرویه.
۳. اختصار معرفة الرجال، ص: ۳۷۵.
۴. همان، ص: ۱۳۴؛ جمیل بن دراج در پاسخ به تعجب ابی عمیر، تمام داشته‌های علمی خود را مرهون زراره می‌دانست: إِنَّ اللَّهَ مَا كَنَّا حَوْلَ زُرَارَةَ بْنَ أَعْيُنٍ إِلَّا يَمْتَزِّنُهُ الصَّبَيْنُ فِي الْكِتَابِ حَوْلَ الْمُلْعَلِّ، ما پیرامون زراره مانند کوکانی هستیم که بر گرد معلم خود نشسته‌اند.

اصلی زنجیره انتقال آموزه‌های شیعه و همچنین ارتباط میان آنها و شاگردان پر تکرارشان در نسل‌های پسین در انتقال میراث حدیثی کوفه به قم قابل مشاهده است.

با توجه به اهمیت داده‌ها و نمایش نموداری آنها، یک نمونه جهت استفاده بهتر مورد بررسی قرار می‌گیرد: در کتب اربعه محمد بن مسلم مقدار ۳۱۵۶ سند از آموزه‌های دریافتی از صادقین علیهم السلام را گرد آورده است؛ این اسناد در قالب ۱۰۶ راوی^۱ به نسل‌های پسین متقل شده که علاء بن رزین به عنوان یکی از شاگردان پر تکرار وی تعداد ۱۰۳۸ سند از او نقل کرده است. در نسل بعدی صفوان بن یحیی از طریق علاء بن رزین تعداد ۲۹۷ سند از این آموزه‌ها را دریافت و تعداد ۱۴۸ سند آن، از طریق حسین بن سعید به حوزه حدیثی قم انتقال یافته است.

۱. در شمار راویان از محمد بن مسلم با ۱۰۶ نفر مواجه هستیم که تعداد ۸ نفر بیشترین روایت را از او نقل کرده‌اند. می‌توان این افراد را به عنوان شاگرد و انتقال دهنده‌های اصلی آموزه‌های محمد بن مسلم قلمداد کرد.

روايات امام باقر
و امام صادق
عليها السلام



یافته‌های بسیاری را می‌توان از این نمودار درباره انتقال تراث استنباط کرد؛ از جمله:

الف) نامبردگان در سلسله شاگردان "اصحابُ أَبِي"، به عنوان افراد پرکار و شناخته شده در انتقال میراث فرهنگی شیعه هستند که بیشترین آن‌ها توثیق خاص دارند و تعدادی از آنها با مبانی توثیق عام، قابل توثیق هستند؛ مانند: علی بن ابی حمزه بطائی و قاسم بن محمد جوهری و حسن بن علی بن فضال.^۱

ب) نه تنها مصاديق "اصحابُ أَبِي"، یعنی زراره و محمد بن مسلم و ابوبصیر و برید از طبقه اول اصحاب اجماع هستند^۲، بلکه مهم‌ترین شاگردان و نیز شاگردان شاگردان آن‌ها از اصحاب اجماع به شمار می‌آیند؛ افرادی مانند جمیل بن دراج و عبدالله بن مسکان و عبدالله بن بکیر و حماد بن عیسیٰ به عنوان طبقه دوم اصحاب اجماع^۳ و افرادی مانند: صفوان بن یحییٰ و محمد بن ابی عمیر و حسن بن محبوب و حسن بن علی بن فضال و فضالة بن ایوب و عثمان بن عیسیٰ از اصحاب اجماع در طبقه سوم متولی انتقال تراث به نسل‌های بعدی هستند.^۴ (این روایان با رنگ خاکستری در نمودار نشان داده شده‌اند.)

ج) در ترجمه بعضی از شاگردان "اصحابُ أَبِي" که در نمودار قرار دارند، با عباراتی

۱. اگر راوی در کارکرد اصلی (صاحب اثر بودن) و همچنین در کارکرد تبعی خود (ناقل اثر راوی دیگر بودن) موفق عمل کرده باشد، به وثاقت مطلق توصیف می‌شود؛ ولیکن اگر راوی در کارکرد اصلی خود تضعیف شده یا ناشناخته باشد اما در کارکرد تبعی خود - مسیر انتقال آثار روایان پیشین - مورد اطمینان و اعتماد اصحاب قرار گرفته باشد به وثاقت نسبی متصف می‌گردد. (ر.که اعتبارسنجی/حادیث شیعه، ص ۱۹۶)

۲. اختصار معرفة الرجال، ص ۲۳۸.

۳. همان، ص ۳۷۵.

۴. همان، ص ۵۵۶.

مانند «قرأت، سمعت، له کتاب رواه عنه جماعات من الناس»^۱ یا «له کتب یرویها جماعة»^۲ روبرو می‌شویم. این‌گونه کلمات، اشاره به طراحی سیستم نگارش کتاب‌های حدیثی از سوی اهل بیت علیهم السلام و تلاش شاگردان نسل اول برای انتقال حدیث شیعه به نسل‌های پسین در سامانه طراحی شده توسط امام دارد.^۳ بسیاری از نگاشته‌های اصحاب در این فرایند روش‌مند مورد استقبال چشم‌گیر جامعه شیعه قرار گرفت.^۴

آشکار است که این امر، مانع جدی بر سر راه تحریف و دگرگون‌سازی آموذه‌های یک کتاب حدیثی است؛ حسن بن علی الوشاء^۵ یا حسن بن علی بن فضال^۶ به عنوان نمونه‌عینی، کتاب‌ها و احادیث را بر شاگردان خود قرائت می‌کرده است. آن‌ها نیز پس از سمع و قرائت بر استاد و دریافت اجازه نقل روایت از وی، این احادیث را در کتاب‌های خود ثبت می‌کردند. پس از گذشت این فرایند، بعضی از کتاب‌ها شیوع فراوانی پیدا می‌کرد. بدین جهت امکان جعل و تحریف و دس^۷ در این‌گونه از میراث احادیث به شدت کاهش یافته و مورد اعتنا قرار نمی‌گیرد.

۱. رجال النجاشی، ص ۱۳۷؛ مدخل جمیل بن دراج.

۲. همان، ص ۲۹۸؛ مدخل العلاء بن رزین القلاع.

۳. راقمان سطور در پژوهه‌ای مستقل تحت عنوان: «الگوریتم سامانه انتقال حدیث شیعه به نسل‌های پسین» به بیان زیرساخت‌های روش‌مند امام باقر و امام صادق علیهم السلام برای انتقال حدیث شیعه به نسل‌های آینده پرداخته‌اند؛ امید آن که به زودی انتشار یابد.

۴. با جستجوی کلیدواژه‌های: «عدة، جماعة، جماعة كثيرة، جماعات، خلق» در کتاب رجال نجاشی می‌توان به فراوانی و شیوع گستردگی کتاب‌های اصحاب پرداز.

۵. احمد بن محمد بن عیسی از مشایخ مهم حوزه حدیثی قم است که نام او در نمودار پیش‌رو آمده است، وی برای دریافت کتاب علاء بن رزین به حسن بن علی الوشاء مراجعه نموده و از او درخواست می‌کند که کتاب علاء و کتاب ایان را به او اجازه دهد اما وشاء اجازه خود را مشروط به استنساخ و سمع قرار می‌دهد. (رجال النجاشی، ص ۳۹) از طریقی که نجاشی بر کتاب علاء ذکر می‌کند نشان‌گر آن است که احمد بن محمد بن عیسی این شرط را پذیرفته و کتاب را نزد الوشاء سمع کرده است. (همان، ص ۲۹۸)

۶. فضل بن شاذان درباره نوع درس‌آموزی خود از حسن بن علی بن فضال می‌گوید: ... ثمَّ خَرَجْتُ إِلَيْهِ بَعْدًا إِلَى الْكُوفَةِ، فَسَمِعْتُ مِنْهُ كِتَابَ أَبْنَى بُكَرٍ وَغَيْرَهُ مِنَ الْأَحَادِيثِ، وَكَانَ يَحْمِلُ كِتَابَهُ وَيَجِيءُ إِلَى حُجْرَتِي فَيَقُرئُهُ عَلَى... (همان، ص ۳۵، اختصار معرفة الرجال، ص ۵۱۶)

د) مصاديق "اصحابُ أَبِي" شنیده‌های خود از صادقین لِأَبِيهِ الْأَنْصَارِ در الواح^۱ یا کتاب‌های منسجم و به هم متصل^۲ گردآوری کرده بودند. به طور قطع می‌توان مدعاً شد که نگاشته‌های حدیثی آن‌ها، منابع اصلی کتاب‌های پس از خود هستند که با پیمودن فرایند قرائت و سماع^۳ و اجازه با کم‌ترین میزان آسیب‌پذیری و بالاترین ضریب اطمینان به نسل‌های پسین انتقال یافته است.^۴

ه) انتقال نگاشته‌ها موجب آشکار شدن پدیده‌های ویژه به نام "طریق" در فرهنگ اعتبارسنجی شیعه گردید. در واقع "طریق"، مسیری برای انتقال کتاب‌های حدیثی پیشین به نسل‌های بعدی است، نه انتقال مفاهیم شفاهی و زبانی. "طریق" می‌تواند منبع بسیار مناسبی برای شناخت راویان فعل و پر تکرار و چگونگی ارتباط حوزه‌های مختلف حدیثی با یکدیگر باشد.

دستاوردها:

جامعه شیعی قبل از امامت امام باقر ع در یک محاصره و هجوم فرهنگی همه

۱. کشی در گزارش خود نقل کرده است که زراره سوالش را از امام صادق پرسید، لوح‌های خود را گشود تا پاسخ امام را بتویسد، اما امام پاسخ او را ندادند، پس وی الواح خود را پست. (اختیار معرفة الرجال، ص ۱۴۳)

۲. الکافی، ج ۷، ص ۳۴؛ در این روایت محمد بن مسلم که به عنوان شاهد، مقابل قاضی ابن ابی لیلی حضور داشته است در نقد حکم قضاوت او می‌گوید: "سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرَ مُحَمَّدَدِينَ عَلَى عَلِيٍّ يَقُولُ...، ابْنَ ابِي لِيلَى مَيْبُرِسْدَ: هَذَا عَدْنَكَ فِي كِتَابٍ؟، مُحَمَّدَ بْنَ مُسْلِمَ يَقُولُ مَيْتَ مَيْدَهُ وَ دَفْتَرَ خُودَ رَاوَدَهُ وَ بَهْ ابْنَ ابِي لِيلَى بَيَانَ مَيْ كَنْدَ: أَنْ لَا تَتَنَظَّرَ فِي الْكِتَابِ إِلَّا فِي ذَلِكَ الْحَدِيثِ، از این گفتگو برداشت می‌شود که محمد بن مسلم شنیده‌های خود از امام باقر ع را در کتاب یا دفترچه‌های حدیثی متصل و به هم پیوسته می‌نگاشته است.

۳. فرایند قرائت و سماع برای انتقال تراث با دستور امام در جامعه شیعه نهادینه شده است. به عنوان نمونه: عبد الله بن سنان^۵ خدمت امام صادق ع می‌رسد و می‌گوید: يَجِئُنِي الْقَوْمُ فَيُسْتَمِعُونَ مِنِي حَدِيثُكُمْ فَأَخْبُرُ وَ لَا أَقُوَّ. قَالَ فَأَقْرَأْ عَلَيْهِمْ مِنْ أَوْلَهِ حَدِيثًا وَ مِنْ وَسْطِهِ حَدِيثًا وَ مِنْ آخرِهِ حَدِيثًا. (همان، ج ۱، ص ۵۲)

۴. نجاشی در طریق خود به کتاب حریز بن عبد الله سجستانی به فرایند قرائت و سماع در همه طبقات تاکید نموده است. (رجال النجاشی، ص ۱۴۵)؛ یعقوب بن یزید از افراد پرکار و پاییند به اصول حاکم به فرایند احادیث شیعه است، کشی از او نقل می‌کند که نسبت به یونس عبدالرحمان خرده می‌گرفت و عدم پاییندیش به فرایند انتقال را مذمت می‌کرد: جَعْفُرُ بْنُ مَعْرُوفٍ، قَالَ: سَمِعْتُ يَعْقُوبَ بْنَ يَزِيدَ، يَقُولُ فِي يَوْنُسَ وَ يَقُولُ كَانَ يَرْوِي الْأَحَادِيثَ مِنْ غَيْرِ سَمَاعٍ. (اختیار معرفة الرجال، ص ۴۹۳)

جانبه از سوی پیروان مکتب خلفاء قرار گرفت. بدین روی، از دست یابی به آموزه‌های دینی به شکل فraigیر محروم مانده بود؛ لذا بعد از امامت امام باقر علیه السلام، با تدبیر ایشان حرکت به سوی غنی‌سازی و تحول فرهنگی در بستر عمومی جامعه شکل گرفت.

مهم‌ترین ابزار غنی‌سازی و گسترش فرهنگ دینی در جامعه، پدیده‌ای به نام حدیث بود؛ حدیث، از گذر امام با واسطه و نقش آفرینی گروهی - که از آنان به راویان تعبیر می‌شود - به بستر عمومی جامعه انتقال یافت.

به دلیل گسست و فاصله جغرافیایی میان محل زیست امام (مدینه) و محل تجمع اصلی شیعیان (کوفه)، گروهی می‌بایست آموزه‌های دینی را در بالاترین سطح دریافت کنند و انتقال دهند.

در میان این گروه، افراد شاخصی حضور دارند که بیشترین نقش را در پیاده سازی طرح امام داشتند؛ از این افراد در لسان امام صادق علیه السلام به "اصحاحُ أبي" تعبیر شده است که دارای کارکردهای فرهنگی خاص بودند. مهم‌ترین ویژگی این راویان، گذردادن جامعه شیعی از مرحله فقر فرهنگی به مرحله شکوفایی فرهنگی در پرتو مدیریت امام معصوم علیه السلام بود.

آنچه اشاره شد، نشانگر فعلیت یافتن دغدغه امام باقر علیه السلام و به ثمر رسیدن تعهد سپرده شده از سوی امام صادق علیه السلام به پدر بزرگوارشان می‌باشد که قدم به قدم پشتیبانی و تجهیز مجدد زیرساخت‌های علمی شاگردان را به عهده گرفته و آن‌ها را سرآمد عصر خویش گردانند.

پیشنهاد موضوع مقاله و پایان‌نامه

پس از تحقیق و نگارش مقاله حاضر به موضوعاتی برخورد شد که جای خالی آن در منابع مکتوب شیعی به صورت مقاله و پایان‌نامه احساس می‌شود:

۱. نقش زراره و محمدبن مسلم در تثیت بنیان‌های امامتی در عصر امام باقر علیهم السلام
۲. امام صادق علیهم السلام و تحکیم بنیان‌های فرهنگی شیعه
۳. بازخوانی طرح صادقین علیهم السلام در ختنی‌سازی جریان فرهنگی ابوحنیفه
۴. فرایند شکل‌گیری شخصیت علمی زرارة بن اعین
۵. فقه‌مداری راویان پُرکار شیعه
۶. تبارشناسیِ فعال‌ترین راویان شیعه
۷. کارکرد فرهنگی راویان پُرکار شیعه
۸. جایگاه عبادی راویان کوشای و فعال شیعه

منابع

۱. الإحتجاج على أهل الراجح، احمدبن علی طبرسی، تحقیق: محمد باقر خرسان، نشر مرتضی، مشهد: ۱۴۰۳ق.
۲. الإختصاص، محمد بن محمد بن مفید، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرندی، کنگره شیخ مفید، قم: ۱۴۱۳ق.
۳. إختیار معرفة الرجال، محمد بن عمر کشی، محمدبن الحسن الطووسی، تحقیق: حسن مصطفوی، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، مشهد: ۱۴۰۹ق.
۴. اعتبار سنجی احادیث شیعه، سید علیرضا حسینی شیرازی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، تهران: ۱۳۹۷ش.
۵. الأمالی، محمدبن محمد مفید، مصحح: حسین استاد ولی، علی اکبر غفاری، کنگره شیخ مفید، قم: ۱۴۱۳ق.
۶. آموزه تحدیث در خوانش شیعه و اهل سنت، محمدتقی شاکر، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، قم: ۱۳۹۸ش.
- ۷.التاریخ الاسلامی: دروس و عبر، محمدتقی المدرسی، تهران: ۱۴۱۸ق.
۸. تاریخ الرسل و الملوك، محمدبن جریر الطبری، تحقیق: محمد أبوالفضل إبراهیم، دارالمعارف، مصر: ۱۳۸۷ق.

٩. ترجمة أبي حنيفة، محمدرضا جعفری، بنیاد فرهنگی جعفری، قم: ۱۳۹۵ش.
١٠. تهذیب الأحكام، محمدبنالحسن الطوسي، تحقيق: حسن الموسوي خرسان، دارالكتب الإسلامية، تهران: ۱۴۰۷ق.
١١. دائرۃالمعارف بزرگ اسلامی، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران: ۱۳۶۷ش.
١٢. دعائم الإسلام، نعمانبنمحمد مغربي، تحقيق: أصف فيضي، مؤسسة آل البيت عليها السلام، قم: ۱۳۸۵ق.
١٣. رجال النجاشی، احمدبنعلی نجاشی، مؤسسة النشر الإسلامي التابعه لجامعة المدرسین بقم المشرف، قم: ۱۳۶۵ش.
١٤. عيون أخبار الرضا عليه السلام، محمد بن علی ابن بابویه، تحقيق: مهدی لاجوردی، نشر جهان، تهران: ۱۳۷۸ق.
١٥. فرحة الغری فی تعیین قبر أمیر المؤمنین علی بن أبي طالب عليه السلام فی النجف، عبدالکریم بن طاووس الحلى، منشورات الرضی، قم: بی تا.
١٦. فهرست کتب الشیعہ و أصولهم و أسماء المصتوفین و أصحاب الأصول، محمدبنالحسن الطوسي، تحقيق: عبدالعزیز طباطبائی، مکتبة الحقیق الطباطبائی، قم: ۱۴۲۰ق.
١٧. قرب الإسناد، عبد اللهبن جعفر حمیری، مؤسسة آل البيت عليها السلام، قم: ۱۴۱۳ق.
١٨. الكافی، محمدبنیعقوب کلینی، تحقيق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، دارالكتب الإسلامية، تهران: ۱۴۰۷ق.
١٩. مکارم الأخلاق، حسنبنفضل طبرسی، انتشارات شریف رضی، قم: ۱۴۱۲ق.
٢٠. نقش عناصر تاریخی در تبیین عقاید اهل بیت عليها السلام، سید مصطفی مطهری، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، قم: ۱۳۹۵ش.
٢١. نمح البلاغة، محمدبنحسین شریف الرضی، تحقيق: صبحی صالح، انتشارات هجرت، قم: ۱۴۱۴ق.